

پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران
دوره ۱۱، شماره پیاپی ۲۲
پاییز و زمستان ۱۴۰۰، صص ۱۸۷-۱۴۹

واکای عوامل مؤثر بر طرد و جداسازی گروه‌های قومی اقلیت؛ کولی‌های شهرک نویناد ساری*

^۱ الهه کشیری

^۲ ناصر برک‌پور

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۰۶

چکیده

کولی‌ها یا جوکی‌ها علی‌رغم گذشت سالیان متمادی، به دلیل برخی ویژگی‌های اجتماعی-فرهنگی، همواره از سوی جامعه میزبان طرد شده و با یک هویت ویژه، در تصور جامعه میزبان شکل گرفته‌اند؛ به طوری که در شهرهای مختلف از جمله ساری، تجربه جابه‌جایی اجباری و ترک محل سکونت خود را داشته‌اند. از همین رو در این پژوهش، به منظور فهم بسترها، شرایط و تجارب کولی‌های ساکن در شهرک نویناد در مورد پدیده طرد در سطح شهر و محله، از روش مردم‌نگاری و تحلیل محتوای کیفی استفاده شد؛ زیرا شناخت عمیق شرایط، ارزش‌ها و تجارب آن‌ها، پیش از هرگونه اقدام در راستای بهبود شرایط این گروه قومی و کاهش نابرابری‌ها در فرایند برنامه‌ریزی و طراحی شهری، از اهمیت بسیاری برخوردار است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد طرد کولی‌های ساکن در شهرک نویناد، ناشی از دو عامل اصلی فرهنگ متمایز و استمرار محرومیت اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و قانونی است که علی‌رغم آنکه هریک از این موارد به تشدید دیگری منجر می‌شود، تأثیرگذاری توأمان این دو عامل، برای همه کولی‌ها صدق نمی‌کند. در واقع تنوع وضع درآمدی و دسترسی به منابع قدرت در میان اجتماع مورد مطالعه، موجب می‌شود برخی افراد محرومیت را در ابعاد اقتصادی، سیاسی و قانونی تجربه نکنند. بدین ترتیب تفاوت در ارزش‌ها و نگرش‌های فرهنگی و گاه محرومیت در ابعاد اقتصادی، سیاسی و قانونی، از طریق ایجاد تفاوت میان کولی‌ها و سایرین سبب ایجاد ترس می‌شود که دیگری‌سازی و تعمیم تصورات ذهنی منفی را به جریان می‌اندازد. بدین ترتیب به منظور غلبه بر این احساس ترس از دیگری، فرایندهایی نظیر عدم پذیرش دیگری (به صورت دوسویه)، تقویت سرمایه اجتماعی درون‌گروهی، کاهش مواجهه و روابط برون‌گروهی مؤثر و افتراق فضایی آغاز می‌شوند که در کنار وجود تبعیض‌ها و محرومیت‌ها، موجب طرد کولی‌ها در ابعاد و عرصه‌های مختلف زندگی روزمره می‌شود.

واژه‌های کلیدی: تفاوت قومی و فرهنگی، جداسازی، ساری، طرد، کولی‌ها.

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده مسئول با عنوان «عرصه‌ها و فضاها، طرد، مواجهه و تبادل بینا فرهنگی در سطح زندگی شهری روزمره (موردپژوهی: تجارب زیسته گروه‌های کولی ساکن در شهر ساری)» است که با راهنمایی نویسنده دیگر در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر در حال انجام است.

۱. دانشجوی دکتری شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر تهران (نویسنده مسئول)،
elahekaashiri@gmail.com

۲. استاد گروه شهرسازی، دانشگاه هنر، تهران barakpur@gmail.com

مقدمه

جامعه ایرانی، از جمله جوامع چندقومیتی به‌شمار می‌رود که علی‌رغم وجود زبان فارسی، و تاریخ و فرهنگ ایرانی مشترک میان اقوام به‌عنوان عوامل هویت‌ساز ملی، دارای تفاوت‌هایی نظیر زبان، لهجه، آداب‌ورسوم، دین، مذهب و فرهنگ نیز هست. اگرچه این جامعه چندقومیتی، دارای یک هویت جمعی عام است، درون آن هر قوم ویژگی‌های مختص خود را به‌عضایش منتقل می‌کند و در نتیجه جامعه با تعدد، تنوع و حتی گاه تعارض هویت و الگوهای رفتاری روبه‌رو می‌شود و نمود این ساختار اجتماعی متنوع و متعارض در ساختار اجتماعی شهرها نیز مشاهده می‌شود.

در سراسر ایران به‌دلیل وجود عوامل مختلفی مانند تصمیمات سیاسی^۱، خشکسالی و از بین رفتن نحوه معیشت مردم به شیوه گذشته، وجود موقعیت‌های شغلی، جغرافیایی و اقلیمی مطلوب‌تر در سایر نقاط و بسیاری از عوامل دیگر، برخی از گروه‌های قومی ناچار به مهاجرت به نقاط دیگر کشور یا مهاجرت از سایر کشورها به ایران شده‌اند که این امر موجب تنوع قومی و فرهنگی در شهرهای این سرزمین منجر شده است. در این میان سیستم برنامه‌ریزی شهرها از بسیاری جهات در پاسخ به تنوع فرهنگی موجود ناموفق بوده است و در اغلب فرایندهای برنامه‌ریزی و طراحی، انعکاس ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگ غالب، نادیده‌گرفتن ارزش‌های گروه‌های اقلیت قومی و فرهنگی، ناتوانی برنامه‌ریزان در تجزیه و تحلیل مسائل از منظر چندفرهنگی یا طراحی فرایندهای مشارکتی که گروه‌های نژادی و قومی را وارد فرایند برنامه‌ریزی کند، دیده می‌شود. این امر در کنار فرایندهای گوناگون اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، می‌تواند طرد^۲ و جداسازی^۳ برخی از گروه‌های قومی را تشدید کند و افزایش نابرابری‌ها در ابعاد گوناگون مادی، فرهنگی، منزلتی و قدرت را در پی داشته باشد.

کولی‌ها یا جوکی‌ها یکی از اقوام ساکن در استان مازندران هستند که اغلب در شهر یا روستاهای اطراف ساری، بابل، بهشهر، آمل، قائم‌شهر و تنکابن زندگی می‌کنند. بسیاری بر این باورند که خاستگاه اصلی آن‌ها هندوستان بوده است و از زمان ساسانیان به این منطقه آمده‌اند. برخی دیگر نیز معتقدند شاهان صفوی این گروه را از هندوستان به ایران آورده‌اند (رضایی،

۱. موقعیت سوق‌الجیشی ایران و سیاست حکومت‌ها در دوران مختلف، سبب مهاجرت اقوام متعددی در سراسر ایران شد. از جمله این اقوام می‌توان به ترکمن‌ها (مهاجرت و اسکان در دوره حکومت سلجوقیان و آقامحمدخان قاجار)، جوکی‌ها (از زمان ساسانیان یا صفوی)، گرجی‌ها (مهاجرت از زمان صفوی به‌عنوان اسیر)، ترک‌ها و آذری‌ها (اسکان در مازندران به‌منظور استخدام در صنایع نساجی و کار در راه‌آهن در دوره رضاشاه) و... اشاره کرد (رضایی، ۱۳۸۰؛ بیگدلی، ۱۳۹۸).

2. Exclusion

3. Segregation

۱۳۸۰: ۲۷۴-۲۷۵). برخی ویژگی‌های فیزیکی، مانند رنگ پوست و برخی ویژگی‌های اجتماعی-فرهنگی مانند زبان و آداب‌ورسوم، کولی‌ها را در اغلب مناطق از دیگران متمایز می‌سازد (صفی‌خانی، ۱۳۹۵: ۳).

کولی‌ها علی‌رغم گذشت سالیان متمادی، همواره از سوی جامعه میزبان طرد شده‌اند و با یک هویت ویژه، در تصور جامعه میزبان شکل گرفته‌اند؛ به طوری که اجتماع آن‌ها در شهر، محل تجمع آسیب‌های اجتماعی پنداشته می‌شود؛ بنابراین کولی‌ها در شهرهای مختلف تجربه جابه‌جایی اجباری و ترک محل سکونت خود را داشته‌اند که از جمله آن می‌توان به تخریب محل سکونت کولی‌های خاک سفید تهران طی اقدام امنیتی-انتظامی اشاره کرد.

هسته شکل‌گیری جوکی محله‌ها در بسیاری از شهرهای استان مازندران از جمله ساری، به دوران قبل از انقلاب برمی‌گردد، اما با توجه به حساسیت جوامع شهری به اجتماعات کولی‌ها، از بعد اجتماعی-فرهنگی (وجود ناپهنجاری‌های فرهنگی شدید)، این مجموعه تا سال ۱۳۸۷ در شهر ساری با استقرار در بافت میانی شهر دوام آورد و در سال ۱۳۸۷ مالکیت کل فضا تحت فشارهای اجتماعی و مدیریتی، تحصیل و به بخش عمومی اختصاص یافت. جمعیت رانده‌شده، به صورت پراکنده در چند نقطه از شهر ساری یا حریم بلافصل آن ساکن شدند (مهندسان مشاور طرح محیط پایدار، ۱۳۸۷: ۵). در واقع محله جوکی‌های شهر ساری در گذشته در حاشیه شهر قرار داشت، اما با افزایش جمعیت شهری، گسترش شهر و شکل‌گیری محله‌های پیرامونی، این محله درون محدوده شهری قرار گرفت. با توجه به اینکه محله جوکی‌ها جزء بدنام‌ترین محله‌های شهر (مرکز فساد، و فروش مواد مخدر و مشروبات الکلی و...) بود، ساکنان پیرامونی، به حضور کولی‌ها به عنوان عامل کاهش منزلت اجتماعی و امنیت محله اعتراض می‌کردند. از این رو مسئولان شهرداری و استانداری با همکاری دستگاه‌های امنیتی، قضایی و...، به زعم خود به منظور حل معضل این محله و همچنین در پاسخ به اعتراض ساکنان همجوار، پس از تملک و تخریب محل سکونت جوکی‌ها، اراضی این محله را به کاربری‌های خدماتی تخصیص دادند و ساکنان این محله را مجبور به جابه‌جایی کردند. با این حال، تخریب محل زندگی و جابه‌جایی اجباری نه تنها به رفع معضلات و آسیب‌های اجتماعی موجود در میان این اجتماعات کمک نکرد، بلکه به عمیق‌تر شدن طرد و جدادگی آنان در سایر بخش‌های شهر و کلیه ابعاد کالبدی-فضایی، اجتماعی و اقتصادی، و همچنین پراکندگی آسیب‌ها و معضلاتی که برخی از افراد این گروه قومی به آن دچار بودند، منجر شد.

با توجه به شناخت محدود از کولی‌ها و حضور اندک این گروه در متن اصلی جامعه و همراه با جریانات اصلی، هدف اصلی این پژوهش، فهم بسترها، شرایط و تجارب کولی‌های ساکن در شهرک نوبنیاد، درباره پدیده طرد در سطح شهر و محله، از طریق بهره‌گیری از روش

مردم‌نگاری است. مطالعه حاضر در پی پاسخ به این پرسش اساسی است که چه عواملی در طرد و جداسدگی کولی‌های شهرک نوبنیاد تأثیر دارد و علاوه بر آن کولی‌ها در چه ابعاد و عرصه‌هایی از زندگی روزمره در شهر طرد می‌شوند.

این نوشتار به منظور تدوین چارچوب مفهومی اولیه، از طریق مرور پیشینه نظری و تجربی آغاز می‌شود و سپس با توجه به ماهیت اکتشافی پژوهش، به دنبال آن است تا براساس شرایط زمینه‌ای و تجارب مشارکت‌کنندگان در پژوهش، مقایسه‌ای از شرایط گروه قومی مورد نظر و چارچوب حاصل از مرور پیشینه نظری و تجربی ارائه و مدل اولیه را اصلاح و تعدیل کند. در فرایند تحقیق، ابعاد چندوجهی طرد مطرح می‌شود؛ به طوری که مبتنی بر پیشینه پژوهش، در مدل اولیه ابعاد سیاسی-قانونی، اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی و فضایی ارائه شده است. علاوه بر آن، در جامعه مورد مطالعه نیز ابعاد مختلف طرد واکاوی شده، اما با توجه به شرایط زمینه‌ای، بیشتر بر جنبه‌های اجتماعی و فضایی طرد تمرکز شده است. همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، کولی‌ها در نقاط مختلف شهر ساری (مانند محله‌های غفاری، آهی‌دشت و...) و روستاهای پیرامون آن، به صورت پراکنده سکونت دارند، اما گروهی از آنان که پیش‌تر در جوکی محله ساری در حوالی محله مهدی‌آباد سکونت داشتند، پس از جابه‌جایی، اغلب در شهرک نوبنیاد ساکن شدند. از همین‌رو ناحیه مورد مطالعه این پژوهش، شهرک نوبنیاد شهر ساری است.

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

۱. تفاوت و زندگی با دیگری

تغییر و تحولات ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جوامع در دوران مختلف، سبب مهاجرت و ایجاد تنوع اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی و ترکیبی از تفاوت‌ها شده است. در سال‌های اخیر به دلیل درگیری‌های خاورمیانه، اروپا در خط مقدم مهاجرت حضور داشته است؛ اگرچه حجم زیادی از پیامدهای این بحران انسانی را کشورهای همسایه متحمل می‌شوند؛ برای مثال، در لبنان، مهاجران سوریه بیش از یک‌چهارم کل جمعیت ساکن در کشور را تشکیل می‌دهند. مقایسه جمعیت مهاجران در سال‌های اخیر، نشان‌دهنده افزایش تعداد مهاجران به اروپا است. با این حال، همه مهاجران به اروپا در حال فرار از درگیری، جنگ یا رژیم‌های سرکوب‌کننده نیستند، بلکه مهاجران، شامل پناهندگان، پناهجویان و مهاجران اقتصادی و امثال آن هستند. بخش عظیمی از مهاجرانی که طبق اسناد و مدارک، به طور غیرقانونی از طریق دریای مدیترانه به اروپا وارد شده‌اند، از کشورهای آفریقایی بوده‌اند. با وجود اینکه اقتصاد

آفریقا سطوح نسبتاً بالایی از رشد داشته است، بیکاری، نابرابری، فقر، نبود فرصت‌ها و ناامیدی، سبب مهاجرت آفریقاییان به سمت اروپا شده است (هویتات، ۲۰۱۶: ۲۱).

با هجوم پناهجویان به اروپا، اگرچه تلاش‌هایی برای نمایش همبستگی با مهاجران و مخالفت با سیاست‌های ضدمهاجر در شهرهای بزرگ اروپا انجام شده است، انزوا، بیگانه‌سختی و پوپولیسم جناح راست و احزاب ضدمهاجر در پهنه اروپا نیز در حال قدرت‌گرفتن هستند و این امر به تصور منفی عمومی به پناهندگان منتج شده است. برخی از کشورها که در ابتدا پناهندگان را با آغوش باز به شهرهای خود می‌پذیرفتند، در حال حاضر با تعداد زیادی از مخالفان افراطی راست و احساسات ضدمهاجر مواجه هستند (همان: ۲۲).

در ایالات متحده آمریکا نیز به‌عنوان یک جامعه چندقومیتی با فرهنگ غالب انگلو-پروتستانی، همواره چالش‌هایی در خصوص نحوه برخورد و پذیرش مهاجران و گروه‌های قومی و نژادی وجود داشته است. براساس گزارش پیمایش اجتماعات آمریکایی در سال ۲۰۱۹، در ترکیب جمعیتی آمریکا، سفیدپوستان آمریکایی اکثریت نژادی هستند و آمریکایی‌های اسپانیایی‌تبار و لاتین، و همچنین آمریکایی‌های آفریقایی‌تبار، به‌ترتیب اولین و دومین اقلیت قومی هستند.

جهانی‌شدن، گوناگونی و تنوع جمعیت شهری را بیشتر کرده و به تبع آن، حس ناامنی و ترس از دیگران نیز افزایش یافته است. در چنین بستری دو چشم‌انداز متعارض از شهر پدیدار می‌شود؛ از یک سو شهرها به‌مثابه مکان‌هایی خطرناک درک و تصویر می‌شوند که باید از آن احتراز کرد و نتیجه چنین نگرشی، ذهنیت قلعه‌ای و دژگونه‌ای است که با صرف نظر از فضاهای عمومی همراه است و محله‌هایی نظیر دروازه‌دار و محله‌های طردشده را افزایش داده است. از سوی دیگر، اعاده دوباره اهمیت اقتصادی و اجتماعی شهر در دوران اخیر، نگرشی مثبت‌تر به زندگی شهری و تحمل تفاوت با دیگران (مدارای اجتماعی) و زندگی با آن‌ها را ایجاد می‌کند (مدنی‌پور، ۲۰۱۱: ۷۷۰). بدین ترتیب دو گرایش متفاوت «پذیرش و استقبال از غریبه‌ها» یا «دورنگه داشتن آن‌ها»، در برابر حس تفاوت و همزیستی با غریبه‌ها قرار می‌گیرد.

تفاوت به‌عنوان چیزی که در بیرون و در تقابل با هنجارهای سخت هر جامعه و هویت سلطه‌جویانه است، ایجاد می‌شود؛ بنابراین هویت و تفاوت یک سیستم درهم‌تنیده و خاص، از روابط دیالکتیکی هستند که در شمول (تعلق) یا طرد (عدم تعلق) دخیل هستند. در رابطه بین هویت و تفاوت، یک پارادوکس وجود دارد. جست‌وجو برای دستیابی به یک هویت ناب و

تغییرناپذیر، به یکباره از اختلاف شکل گرفته و درعین حال به دنبال از بین بردن اختلاف است. این امر سازگاری، ناپدید شدن یا نامرئی بودن دیگری را جست‌وجو می‌کند (ساندرکاک، ۲۰۰۹: ۲۱۳). ساندرکاک^۱ (۲۰۰۳) بر این باور بود که تاریخ برنامه‌ریزی می‌تواند به‌عنوان تلاشی برای مدیریت ترس در شهر بازنویسی شود. وی با اشاره به اینکه ترس در شهر ناشی از ترس از بی‌نظمی در معنای عام و به‌طور خاص، ترس از افرادی که عامل این بی‌نظمی به‌نظر می‌رسند، ناشی می‌شود، به دسته‌بندی چهار راه‌حلی که طی صد سال اخیر توسط دولت‌ها، به‌منظور کنترل این ترس‌ها در شهر اتخاذ شده، پرداخت: ۱. اعمال نیروی قانونی و پلیس^۲ برای قانون و نظم بیشتر؛ ۲. تحت کنترل داشتن و جداسازی فضایی^۳ (دورنگه‌داشتن افراد معین از نواحی معین)؛ ۳. تلاش برای ایجاد انواع خاصی از شهروندان و فردیت‌ها یا عاملیت‌ها^۴، لندن‌های خوب، نیویورکی‌های خوب، از طریق تأمین پارک‌ها و زمین‌های بازی، مسکن، مراکز اجتماعات و سایر تجهیزات شهری مدنی به‌عنوان یک اصلاح اخلاقی؛ ۴. رویکرد جذب یا ادغام^۵ از طریق سیاست‌های اجتماعی مانند نیازهای زبان ملی و طبقات مدنی برای تبدیل «دیگری» به «یکی از ما». این رویکردها به دنبال رها کردن از ترس با دور کردن یا تغییر دادن افرادی هستند که به‌عنوان ایجادکننده ترس دیده می‌شوند. (ساندرکاک، ۲۰۰۳: ۱۰۷-۱۰۸).

افزایش نابرابری‌ها و تنوع فرهنگی در شهرها اگرچه فرصت‌های تبادل بین‌فرهنگی و یادگیری متقابل را ایجاد می‌کند، با ترس نیز همراه بوده است. وجود مهاجران در شهرها، می‌تواند حس ترس از حضور یک غریبه را که ممکن است اصالت فرهنگی جامعه را خدشه‌دار کند یا موجب بی‌نظمی و ناامنی شود، به‌همراه داشته باشد. علاوه بر آن، برای مهاجران یا اقلیت‌های قومی و نژادی نیز فشارهای ناشی از قومی‌سازی و نژادپرستی سبب می‌شود آن‌ها به‌عنوان شهروندان درجه دوم و افرادی شناسایی شوند که ادعاهای آن‌ها فقط می‌تواند در چارچوب فرهنگ مسلط و در انطباق با آن به رسمیت شناخته شود و مورد پیش‌داوری‌های بسیار و حتی طرد در جنبه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و اقتصادی قرار گیرند. نمود فضایی این روابط اجتماعی در شهرها، می‌تواند به‌صورت جدایی‌گزینی داوطلبانه، خصوصی کردن فضاهای عمومی، ایجاد محله‌های دروازه‌دار و جلوگیری از اختلاط قومی و نژادی بروز یابد یا به طرد اجباری و جداسازی در محله‌های محروم و طیف محدودی از مکان‌ها و فعالیت‌ها منجر شود.

1. Sandercock
2. Policing
3. Spatial containment and segregation
4. Subjectivities
5. Assimilation

۲. نابرابری

نابرابری به‌طور کلی به تفاوت‌های میان افراد (یا جایگاه‌هایی که به‌صورت اجتماعی تعریف شده است و آن‌ها آن را اشغال کرده‌اند) اشاره می‌کند که بر نحوه زندگی آن‌ها، خاصه بر حقوق، فرصت‌ها، پاداش‌ها و امتیازاتی که از آن برخوردارند، تأثیر دارد. این تفاوت‌ها، به‌معنای اجتماعی کلمه، ساختاری شده‌اند و جزء لاینفک کنش متقابل و مستمر افراد هستند (گرب، ۱۹۹۰: ۱۰)، اما نابرابری به تعریف فوق محدود نمی‌شود و همواره مناقشات بسیاری بر سر بنیان‌های نابرابری، میان اندیشمندان وجود داشته است. در نگاه مارکس^۱ (۱۳۶۰)، داشتن موقعیت‌های متفاوت در مورد وسایل تولید، میان افراد جامعه تضاد منافع ایجاد می‌کند. رویکرد وبر^۲ اگرچه بر تحلیل مارکس از قشربندی استوار است، نشان می‌دهد علاوه بر طبقه، ابعاد دیگری از قشربندی نیز بر زندگی مردم اثر می‌گذارند. وی توجهات را به تأثیر متقابل طبقه و منزلت، و حزب به‌عنوان ابعاد جداگانه قشربندی اجتماعی جلب می‌کند و بنیان انعطاف‌پذیرتری را برای تحلیل تجربی قشربندی پدید می‌آورد (گرب، ۱۹۹۰: ۷۷-۷۸). رایت (۲۰۱۵) بر موضوع میزان کنترل افراد طبقات اجتماعی مختلف روی فرایند تولید تأکید کرد، اما گیدنز^۳ (۲۰۱۳) بر این باور بود که در نیمه دوم قرن بیستم نابرابری از تمرکز تقریباً انحصاری بر طبقه اجتماعی، به کندوکاو نابرابری جنسیتی و قومیت، معلولیت و... روی آورده است و این امر نشان داد نظریه‌ها و مفاهیم مربوط به طبقه اجتماعی به‌سادگی به انواع دیگر نابرابری تبدیل‌شدنی نیستند (گیدنز و ساتن، ۲۰۱۳: ۶۴۰-۶۴۲).

۳. طرد اجتماعی

برگمن^۴ طرد اجتماعی را ناشی از کارکرد نامناسب چهار نظام اصلی اجتماعی معرفی کرد: ۱. نظام دموکراتیک و قانونی که انسجام و یکپارچگی مدنی را تحقق می‌بخشد؛ ۲. نظام رفاهی که انسجام اجتماعی را پیش می‌برد؛ ۳. نظام خانواده و اجتماع محلی که انسجام بین‌فردی را محقق می‌کند؛ ۴. بازار کار که یکپارچگی و ادغام اقتصادی را پیش می‌برد (برگمن، ۱۹۹۵: ۱۱-۱۲). لویتاس^۵ و همکاران نیز طرد اجتماعی را فرایندی پیچیده و چندبعدی معرفی کردند که شامل نبود یا انکار منابع، حقوق، کالاها و خدمات، و ناتوانی در مشارکت در روابط و فعالیت‌های طبیعی می‌شود که در دسترس بیشتر مردم در یک جامعه است؛ خواه در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی،

1. Marx
2. Weber
3. Giddens
4. Berghman
5. Levitas

فرهنگی باشد یا عرصه سیاسی. این امر هم بر کیفیت زندگی افراد و هم بر عدالت و انسجام جامعه به‌طور کلی تأثیر می‌گذارد (لویتاس و همکاران، ۲۰۰۷: ۲۵).

طرد اجتماعی و محرومیت اجتماعی^۱ اگرچه به‌لحاظ مفهومی بسیار به یکدیگر نزدیک هستند، با هم تفاوت‌های ظریفی دارند. در واقع طرد اجتماعی، بر محرومیت در گستره وسیعی از شاخص‌ها یا عملکرد استانداردهای زندگی که می‌تواند از نوع کمی یا کیفی باشد، دلالت دارد (چاکراواری و دامبروسو، ۲۰۰۶: ۳۷۸). یک فرد زمانی به‌لحاظ اجتماعی طرد می‌شود که شرایط محرومیت وی مداوم باشد یا با گذشت زمان بدتر شود. شخصی که در مسیر محرومیت مداوم است، چشم‌انداز کوتاهی برای آینده دارد و قادر به مشارکت کامل در جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند، نیست؛ بنابراین طرد اجتماعی از نظر عملکرد، محرومیت نسبی مزمن است (بوسرت و همکاران، ۲۰۰۷: ۷۷۷-۷۷۸). بدین ترتیب حمیدیان محرومیت از عدالت، حقوق شهروندی، انسانی و حتی توسعه اقتصادی کلان، کالا و خدمات، بازار کار، اموال و دارایی‌ها، امنیت فیزیکی و معاش و ... را به‌عنوان مؤلفه‌های طرد اجتماعی معرفی کرد (حمیدیان، ۱۳۹۶: ۷۰).

هان^۲ (۱۹۹۸) نیز با اشاره به وجود تعاریف و مفهوم‌سازی‌های متعدد از این پدیده، بر این امر تأکید کرد که طرد اجتماعی دارای مشخصه‌های مشترک است و همین مشخصه‌ها آن را از سایر مفاهیم متمایز ساخت:

«طرد اجتماعی در مقابل یکپارچگی اجتماعی^۳ تعریف می‌شود که اهمیت‌بخشی از جامعه بودن و یکپارچه‌بودن را منعکس می‌کند. یک مفهوم چندوجهی است که به طرد در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی اشاره می‌کند. این مفهوم فراتر از تحلیل مکانیسم‌های توزیع منابع می‌رود و ارتباطات قدرت، عاملیت، فرهنگ و هویت اجتماعی را دربرمی‌گیرد. طرد اجتماعی می‌تواند به یک وضعیت یا موقعیت اشاره کند، اما اغلب به یک فرایند اشاره دارد؛ مکانیسم‌هایی که توسط آن‌ها افراد طرد می‌شوند. تمرکز بر روی نهادها است که تعاملات افراد را فعال و یا محدود می‌کند» (هان، ۱۹۹۸: ۱۲-۱۳).

از این رو می‌توان طرد اجتماعی را به‌عنوان یک پدیده نسبی، چندوجهی و برآیند محرومیت‌های متعدد در طول زمان دانست که مانع مشارکت کامل افراد یا گروه‌ها در حیات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه می‌شود.

به‌موجب طرد یا نابرابری اجتماعی، برخی گروه‌ها در طیف محدودی از مکان‌ها و فعالیت‌ها گرفتار می‌شوند. جداسازی یا افتراق مفهومی است که نشان‌دهنده جدایی بین گروه‌های

1. Social deprivation

2. Haan

3. Social integration

مختلف در محیط شهری است. جدانشدگی شهری بسته به شکل و ساختار خاص شهر و همچنین بافت فرهنگی و تاریخی، دارای معانی و تأثیرات متفاوتی است. دسته‌بندی‌های آن شامل درآمد، طبقه، نژاد و جدانشدگی فضایی-قومی است (فیتوسا و همکاران، ۲۰۰۷: ۲۹۹-۳۰۰). درواقع اقشار ضعیف جامعه و گروه‌های اقلیت، در مواجهه با فشارهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، اغلب از چرخه قدرت خارج و برحسب انتخاب شخصی یا به‌اجبار، متأثر از شرایط اجتماعی و اقتصادی، در گتوها و محدوده‌های محروم گرفتار می‌شوند و در معرض فشارهای مختلف (تصمیم‌های سیاسی، اولویت‌های فرهنگی، دانش تکنوکرات و نخبه‌سالار، و نیروهای بازار) قرار می‌گیرند؛ فشارهایی که فرصت‌ها و انتخاب‌های زندگی را یا به شکل یک اجبار بیرونی برای رفتاری معین یا به شکل یک پافشاری درونی برای حفظ هویت فردی به ساکنان تحمیل می‌کنند (مدنی‌پور، ۲۰۱۱: ۷۷۰).

کارکرد نامناسب و ناعادلانه نظام‌های قانونی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی-فرهنگی و به‌تبع آن، برخوردار نبودن از فرصت‌ها و امکانات آموزشی، حرفه‌ای و خدماتی، فشارهایی را به گروه‌های محروم و اقلیت‌های قومی و فرهنگی در جامعه تحمیل می‌کند که ممکن است آن‌ها را در گستره محدودی از عرصه‌های فضایی و فعالیتی (سکونت، کار، آموزش و...) گرفتار کند و در بسیاری از ابعاد، به جدایی آن‌ها از سایر شهروندان بینجامد؛ بنابراین جدانشدگی درواقع نمودی از پدیده طرد است و طرد می‌تواند به‌صورت فضایی نیز در شکل و ساختار شهر و سکونتگاه‌های انسانی نمود پیدا کند.

ابعاد، عوامل مؤثر و پیامدهای پدیده طرد اجتماعی

همان‌طور که پیش‌تر نیز گفته شد، طرد، ناشی از کارکرد نامناسب نظام‌های قانونی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی-فرهنگی است که سبب ایجاد حقوق و فرصت‌های نابرابر و ناتوانی در ایجاد ارتباط و مشارکت در فعالیت‌هایی می‌شود که در دسترس اکثریت جامعه است. بدین ترتیب باری^۱ (۱۹۹۸) به دو دلیل طرد را انحراف از عدالت اجتماعی قلمداد کرد:

۱. طرد با برابری فرصت‌ها در تعارض است؛ ۲. طرد موجب ناتوانی در مشارکت مؤثر سیاسی می‌شود (باری، ۱۹۹۸: ۴). بررسی اسمیت (۲۰۰۰) هفت بعد برای طرد اجتماعی معرفی می‌کند که عبارت‌اند: ۱. اقتصادی (شامل بیکاری بلندمدت، خانوارهای بیکار و فقر درآمدی)؛ ۲. اجتماعی (شامل بی‌خانمانی، جرم و جنایت، و جوانان ناراضی)؛ ۳. سیاسی (شامل ازبین‌بردن قدرت، نبود حقوق سیاسی و نبود اعتماد به فرایندهای سیاسی)؛ ۴. محله‌ای (شامل فروریختن سهام مسکن و تخریب محیط‌زیست)؛ ۵. فردی (شامل سلامت یا بیماری

روانی و جسمی، و کمبود آموزشی؛ ۶. فضایی (شامل تمرکز/به‌حاشیه‌راندن گروه‌های آسیب‌پذیر)؛ ۷. گروهی (تمرکز ویژگی‌های فوق در گروه‌های خاص سالمندان، معلولان و اقلیت‌های قومی) (پرسی اسمیت، ۲۰۰۰: ۹)، اما به‌نظر می‌رسد ابعادی که پرسى اسمیت مطرح کرد، آنچنان درهم‌تنیده هستند که تفکیک آن‌ها از یکدیگر غیرممکن است. به‌علاوه، وقوع هریک از آن‌ها به وقوع دیگری منجر خواهد شد؛ برای مثال، اغلب طرد گروه‌های اقلیت قومی، با طرد اقتصادی، سیاسی، فضایی و گاه برخوردار نبودن از امکانات و تسهیلات شهری نیز همراه است؛ بنابراین همان‌طور که از دیدگاه دیالکتیک اجتماعی-فضایی، در همه موقعیت‌های تاریخی و فضایی، توسعه تاریخی دیالکتیک بین ساختارهای فضایی و اجتماعی -اثر متقابل- باید در تحلیل‌ها مورد توجه واقع شود، این پدیده نیز قابلیت بررسی یک‌جانبه را ندارد و اثر متقابل ابعاد مختلف در تجربه طرد باید ارزیابی شود.

زامی^۱ (۲۰۱۵) در پژوهش خود به‌منظور بررسی چگونگی تأثیر طرد محله بر فرایندهای تجربیات روزمره، مظاهر طرد روزمره و چرایی وقوع آن‌ها، با جوانان مهاجر غنایی ساکن در محله جین و فینچ تورنتو مصاحبه‌های عمیقی انجام داد. نتایج مطالعات وی نشان داد تجربیات جوانان مهاجر غنایی از طرد اجتماعی و فضایی، در یک فرایند دیالکتیکی بین محله جین و فینچ، و عموم مردم درهم‌تنیده شده است. مصاحبه‌شوندگان بر این باور بودند که درک عموم مردم از محله جین و فینچ، بر تجربیات آن‌ها از طرد اجتماعی و فضایی تأثیر می‌گذارد؛ به‌گونه‌ای که آن‌ها تجربیاتی را که از دسترسی به بازار کار و نیمرخ نژادی داشتند، به‌تصور ذهنی منفی درخصوص محله جین و فینچ مرتبط می‌کردند.

در پی اغتشاشات شهری در سال ۲۰۰۱ در انگلیس، ناشی از اختلافات قومی، فیلیپس^۲ (۲۰۰۴) به بررسی گفتمان‌های مربوط به انزوا و جداسازی مسلمانان انگلیس و خوشه‌بندی قومی درون شهری پرداخت و روندی را که در نژادی‌سازی فضا و طرد افراد دخیل است، بررسی کرد. یافته‌های این بررسی‌ها نشان داد شواهد موجود، تجربیات زیسته و دیدگاه‌هایی که مسلمانان انگلیس درمورد اختلاط اجتماعی بیان کردند، از جدایی‌گزینی داوطلبانه و تمایل‌نداشتن آن‌ها برای مشارکت در جامعه پشتیبانی نمی‌کند، بلکه گزینه‌های سکونت برای این گروه قومی محدود، نژادی و اغلب در نواحی دارای محرومیت‌های شدید در شهر است. ترس از نژادپرستی، تنش‌های قومی و آزار نژادپرستانه، و همچنین نگرانی‌هایی درمورد عدم استقبال در یک محله «سفید» (سفیدپوستان به‌عنوان اکثریت ساکنان در محله) و انزوای اجتماعی و فرهنگی به‌علت اختلافات مذهبی نیز در خوشه‌بندی قومی درون شهر تأثیرگذار است.

1. Zaami
2. Philips

از طرفی نتایج مطالعات دیگری که به بررسی تجربیات کولی‌ها و طرد اجتماعی پرداخته‌اند، نشان داد جدایی اجتماعی تا حدی پاسخ به خصومت تجربه‌شده (یا مورد انتظار) از سوی جامعه اکثریت است که مبتنی بر کلیشه‌هایی است که کولی‌ها را با کثیفی، جنایت و بی‌نظمی مرتبط می‌کنند. با این حال، کلیشه‌های تحقیرآمیز مشابه در مورد استانداردهای بهداشت، شیوه‌های فرزندپروری و بی‌اخلاقی کولی‌ها نیز به همسایگان خود نسبت داده می‌شد که در نهایت موجب فاصله‌گرفتن و تقسیم اجتماعی شد (گرین‌فیلدز و اسمیت، ۲۰۱۰).

محمدی و همکاران (۱۳۹۸)، تجربه طرد هه‌ورامی‌های شهر مریوان در مقابل سورانی‌ها را به‌عنوان گروه غالب بررسی کردند. یافته‌های آن‌ها نشان داد طرد زبانی/لهجه‌ای هه‌ورامی‌ها (تحقیر و مسخره کردن اصطلاحات و لهجه هه‌ورامی)، نمادسازی منفی از آن‌ها و کنایه به آن‌ها (مهاجر، یهودی‌صفت، معامله‌گر دهاتی و...)، معاشرت بیشتر با یکدیگر در بین هه‌ورامی‌ها، نداشتن تمایل به اجاره‌دادن مغازه یا خانه به سورانی‌ها، ازدواج‌های درون‌گروهی، نداشتن معامله با سورانی‌ها و به‌طور کلی تعاملات اجتماعی درون‌گروهی و ترس از ایجاد ارتباط اجتماعی با سورانی‌ها، از موارد تمایز، طرد و واکنش‌های مرتبط با آن است.

درواقع در همه پژوهش‌های فوق، ایجاد تمایز بین گروه‌ها در قالب گروه‌های اکثریت و اقلیت که از حقوق و منافع متفاوتی برخوردارند و ایجاد مرزبندی بین ما و آن دیگری، دارای ارتباط بسیار نزدیکی با ساخت کلیشه‌ها در خصوص گروه‌ها، لکه‌دار کردن، تبعیض و در نهایت طرد افراد است؛ بنابراین برای گروه‌های اقلیت فرهنگی و قومی، امکان حفظ سنت و فرهنگ، حس آشنایی و امنیت، و تجارب شخصی از آزار و اذیت‌های نژادپرستانه از یک سو و آسیب‌دیدگی ساختاری، نابرابری در بازار مسکن و عرصه‌های سیاسی و اقتصادی و همچنین رفتارها و سیاست‌های نژادپرستانه از سوی دیگر، سبب طرد و جدادگی آن‌ها می‌شود.

از دیدگاه پولانی^۱ (۱۹۴۴)، اقتصاددان سیاسی، منابعی که برای مشارکت کامل در جامعه ضروری است، از طریق سه سازوکار مبادله بازار، توزیع مجدد و تعامل و تبادل متقابل^۲، تولید و بازتوزیع تأمین می‌شود و موقعیت مرتبط با این حالت‌ها و نحوه تعامل آن‌ها است که میزان ادغام و یکپارچگی افراد در جامعه را می‌تواند تعیین کند. با توجه به اینکه بازار، ذاتاً دسترسی نابرابر به منابع مبتنی بر موقعیت‌های قوی یا ضعیف (برای نمونه از نظر آموزش، زبان و مهارت‌های دیگر) را ایجاد می‌کند، باید جبران این امر، از طریق توزیع مجدد کالاها، خدمات و امور مالی صورت گیرد. در نهایت تعامل و تبادل متقابل نیز می‌تواند به افراد کمک کند تا از طریق شبکه‌های پشتیبانی متقابل، منابع را به‌دست آورند.

1. Polanyi

2. Market exchange, redistribution and reciprocity

پولانی (۱۹۴۴) در سازوکار اول، نظام طبقاتی (موقعیت در بازار کار و سرمایه) را به‌عنوان عامل تعیین‌کننده دسترسی به منابع و در مرحله بعد یکپارچگی در جامعه معرفی می‌کند، اما در واقع دسترسی به منابع از عوامل متعددی نشئت می‌گیرد و همان‌طور که پیش‌تر نیز بیان شد، علاوه بر طبقه و سطح درآمد، مذهب، قومیت، نژاد، سبک زندگی و بسیاری از عوامل دیگر نیز می‌توانند در روابط قدرت، دسترسی به منابع یا طرد دخیل باشند. براساس مطالعات فیلیپس، اگرچه تحرک و ثروت بیشتر می‌تواند به دورشدن احساس انزوا و آسیب‌پذیری ناشی از آزار و اذیت کمک کند، ترس همچنان به‌عنوان یک عامل محدودکننده قدرتمند برای تحرک فضایی عمل می‌کند و بسیاری از خانوارهای مسلمان در شهر برادفورد، از جمله برخی از خانوارهای طبقه متوسط، به‌دلایل دفاعی ترجیح می‌دهند در خوشه‌های قومی درون شهر باقی بمانند (فیلیپس، ۲۰۰۴: ۳۳).

بااین‌حال، تجربه طرد به این عوامل محدود نیست و یافته‌های مطالعات گویکوچی^۱ روی مهاجران نسل دوم اسپانیایی به باسک و مهاجران لهستانی به اسپانیا نشان داد ترجیحات قومی به‌منظور ادغام اجتماعی، نسبت به برخی گروه‌ها در مقایسه با سایرین وجود دارد. در واقع پرکتیس‌های گروه‌های قومی و اعضای آن به‌عنوان بازیگران جمعی و انفرادی، از طریق ایجاد منافع، طبقه‌بندی‌ها و ارزش‌های مختلف، به‌لحاظ اجتماعی عینیت می‌یابند و موجب ایجاد چارچوبی برای پرکتیس‌ها و سازه‌های ایدئولوژیکی آینده می‌شوند. در این فرایند، قدرت‌های اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژیکی، زمینه مشروعیت بازیگران و گفتمان‌های آن‌ها را فراهم می‌کنند (گویکوچی، ۲۰۰۵: ۶۶۳).

همچنین حمیدیان و همکاران (۱۳۹۴) در تحقیقی به بررسی وضعیت طرد/ادغام گروه‌ها و عوامل مؤثر بر آن در کلان‌شهر اصفهان پرداختند و یافته‌های آن نشان داد همه گروه‌ها دسترسی یکسانی به منابع ندارند و برخی گروه‌ها تبعیض اجتماعی بیشتر و طرد اجتماعی به‌مراتب شدیدتری را تجربه می‌کنند. در واقع افغان‌ها، عراقی‌ها و پس از آن‌ها ترک‌ها، به‌ترتیب کمترین ادغام اجتماعی را دارند. همچنین ترک‌ها، عرب‌ها و افغان‌ها به منابع چهارگانه سیاسی، اقتصادی، آموزشی-فرهنگی و خدمات اجتماعی کمترین دسترسی را دارند و بیشترین محرومیت‌ها را تجربه می‌کنند. عرب‌ها، کردها و شهروندان سایر شهرهای استان اصفهان، بیشترین تبعیض اجتماعی را گزارش دادند. درنهایت آن‌ها بیان کردند در کنار تبعیض اجتماعی و دسترسی به منابع، عوامل بسیاری بر پدیده طرد/ادغام افراد و گروه‌ها دخیل است و طرد اجتماعی در نزد افراد و گروه‌ها معانی و تعابیر متفاوتی دارد و درک مشترکی از آن وجود ندارد.

براساس سازوکار سوم مورد نظر پولانی (۱۹۴۴)، در مطالعات بسیاری می‌توان ردپای ارتقای شبکه‌های درون‌گروهی را به‌منظور جبران پیامدهای ناشی از طرد، نابرابری‌ها و برخوردار نبودن از منابع و حمایت‌ها دنبال کرد که از جمله آن می‌توان به نتایج پژوهش انجام‌شده روی کولی‌های ساکن در انگلستان اشاره کرد که پس از انتقال از کاروان‌ها، به‌دلیل نبود آلت‌رناتیوهای دیگر، مجبور به اسکان در واحدهای مسکونی شدند. آن‌ها بر این باور بودند که از حقوق و احترامی که به اقلیت‌های دیگر داده می‌شود، محروم شده‌اند. به‌این ترتیب در شرایطی که انتخاب‌ها در مورد ترجیحات اقامتی به‌شدت محدود شده‌اند، تعداد زیادی از پاسخ‌دهندگان اشاره کردند که تا حد امکان در حال تغییر در زندگی سنتی جامعه از طریق فعال‌سازی شبکه‌های خویشاوندی در مجاورت خود هستند؛ بنابراین در نبود سازوکارهای مناسب پشتیبانی رسمی، برخی از مشکلات این گروه قومی، از طریق شبکه‌های اجتماعی جبران می‌شود که منابع غیررسمی مهمی از حمایت و همچنین ابزاری برای حفظ هویت فرهنگی را فراهم می‌کنند (گرین‌فیلدز و اسمیت ۲۰۱۰).

اگرچه پولانی (۱۹۴۴) تنها از بعد اقتصادی به موضوع طرد پرداخته و ابعاد سیاسی و اجتماعی-فرهنگی را نادیده گرفته است، براساس نظریات وی می‌توان گفت در صورت حذف یا محدود شدن دو منبع اول (مشارکت در بازار کار و بهره‌مندی از فرصت‌های پشتیبانی دولت) که عمدتاً با ساختارهای کلان جامعه ارتباط دارد، سرمایه اجتماعی درون‌گروهی، به‌منظور جبران برخی کمبودها، برای گروه‌های اقلیت قومی اهمیت پیدا می‌کند و همین امر گاه موجب افزایش تعاملات و تماس‌های درون‌گروهی آن‌ها می‌شود.

اما تمرکز صرف بر گروه اقلیت قومی و طردشده، در واقع فرایند تحلیل و ارائه راه‌حل را نیز به همان گروه به‌عنوان محل بروز این مشکل محدود می‌کند و روابط و مسئولیت‌های متقابل بین گروه مهاجر و میزبان، گروه اقلیت و اکثریت و... را نادیده می‌گیرد. فیلیپس بر این باور بود که در نظر گرفتن طرد و جدادگی قومی اقلیت‌ها به‌عنوان یک «مشکل» و همچنین در نظر گرفتن مسلمانان انگلیس به‌عنوان بیگانه و «دیگران»، موجب تداوم و در واقع عادی‌سازی این عقیده می‌شود که مسئولیت تنش‌های اجتماعات محلی اساساً مربوط به اقلیت‌های «خودجداشده» است و «طردهای فرهنگی مرتبط با انگلیسی‌بودن^۱» بدون اظهار نظر باقی می‌مانند (فیلیپس، ۲۰۰۴: ۲۷-۳۳) و این قضاوت و پیش‌داوری، یک‌جانبه صورت می‌گیرد.

ایفتاچل و یعقوبی^۲ (۲۰۰۳) درباره روابط قومی در «شهر مختلط»^۱ لود در فلسطین، با الگوی تفکیک قاطع بین اکثریت غالب و اقلیت فرعی، مفهوم «قوم‌سالاری شهری»^۲ را مطرح

1. White Englishness

2. Yiftachel and Yacobi

کردند که یک گروه غالب سیستم شهر را در پشتیبانی از سلطه و گسترش خود مناسب‌سازی می‌کند. بدین ترتیب عرب‌های لود که در جامعه با اکثریت قوم یهود، مورد تبعیض و طرد واقع می‌شوند، از طریق بسیج مردمی و اقدامات غیرمجاز واکنش نشان می‌دهند که در واقع شکاف حاکمیتی را که رژیم قومی به وجود آورده، پر می‌کند. آن‌ها معتقد بودند پاسخ رایج برنامه‌ریزی در این زمینه شهری، به صورت اغماض و حتی تسهیل غیرقانونی بودن شهر است؛ بنابراین همه اجتماعات اقلیت فرعی از فرایند برنامه‌ریزی خارج یا در محتوای سیاست‌های شهری نادیده گرفته می‌شوند. به طور معمول، چنین جمعیت‌هایی به عنوان مشکل تعریف می‌شوند، اما وجود مستند نشده و غیرقانونی به بیشتر مسئولان اجازه می‌دهد در فرایند برنامه‌ریزی، از حقوق آن‌ها به عنوان شهروندان محلی و مالکان زمین چشم‌پوشی کنند. در نتیجه غیرقانونی بودن شهری، به عنوان یک رویکرد برنامه‌ریزی قوم‌سالارانه پدیدار می‌شود که به نخبگان شهری اجازه می‌دهد شهر را به صورت برابر، مدنی و دموکراتیک نمایندگی کنند و در عین حال، برخی از حقوق و خدمات اساسی را از برخی از ساکنان شهری سلب کنند و عملاً جدایی و تفکیک اساسی و ناموزون ایجاد شود.

در همین راستا، نتایج مطالعات عظیمی و ابراهیمی (۱۳۹۸) با تمرکز روی کولی‌های ساکن در محله هرنندی تهران نشان داد تقلیل علت طرد اجتماعی کولی‌ها به موضوع عاملیت فردی و بی‌توجهی به عوامل ساختاری، خطایی راهبردی در رفع طرد اجتماعی کولی‌های این محله است. بدین ترتیب آن‌ها زیست کالبدی و ساختارهای فرهنگی متمایز، نفوذناپذیری و جدایی‌گزینی و رسمیت‌نیافتگی دوسویه، و حاشیه‌ای شدن اقتصادی را به عنوان دلایل اصلی طرد اجتماعی کولی‌های محله هرنندی معرفی کردند.

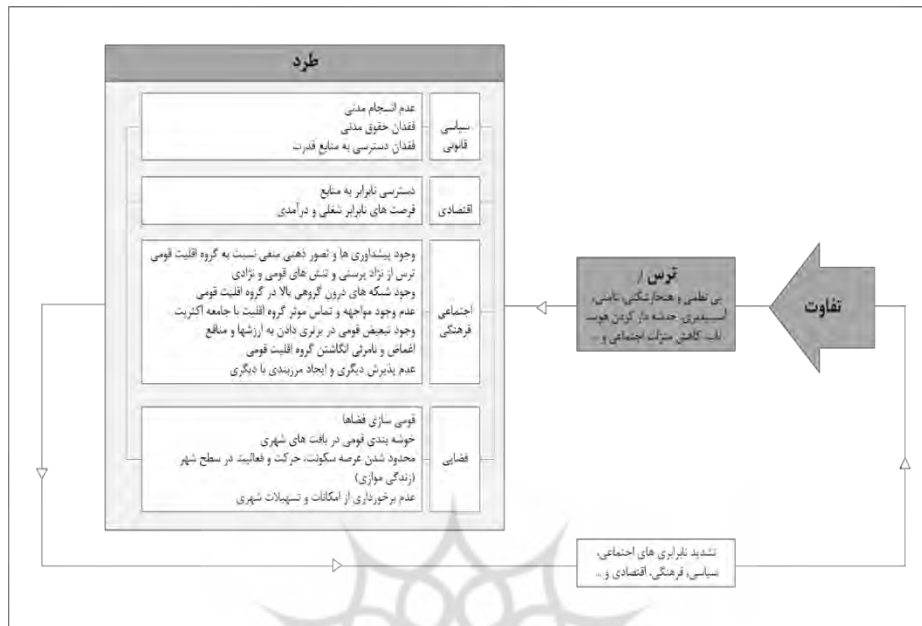
جمع‌بندی و ارائه مدل مفهومی

با مرور پیشینه نظری و تجربی پژوهش می‌توان دریافت تفاوت به عنوان عامل اصلی، سبب ایجاد فرایندهایی می‌شود که در شمول یا طرد گروه‌های اقلیت و به طور خاص، گروه‌های قومی اقلیت تأثیرگذار است. این فرایندها که منشأ آن‌ها ناشی از ترس از ناامنی، بی‌نظمی و هنجارشکنی (مباحث درباره موضوع امنیت)، و خدشه‌دار کردن هویت و فرهنگ ناب یا کاهش منزلت اجتماعی (مباحث در مورد موضوع فرهنگ) است، در ابعاد گوناگون بروز می‌یابند و بر شدت طرد گروه‌های قومی می‌افزایند. همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، طرد امری چندوجهی است؛ بنابراین عوامل تأثیرگذار بر آن نیز از ابعاد گوناگون سیاسی، قانونی، اقتصادی، اجتماعی،

1. Mixed cities
2. Urban ethnocracy

فرهنگی و فضایی دخیل است و بر شدت و ضعف آن اثر می‌گذارند. یافته‌های تحقیقات بررسی‌شده در این حوزه نشان می‌دهد تجربه طرد اعضای گروه‌های قومی از ساختارهای سیاسی-قانونی و اقتصادی و جایگاه گروه‌های اقلیت قومی در این ساختارها مانند میزان بهره‌مندی از انسجام مدنی، حقوق مدنی و دسترسی به منابع و فرصت‌ها تأثیر می‌پذیرد، اما علاوه بر آن، ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و ایدئولوژیکی نیز بر مشروعیت هویت، فرهنگ و گفتمان افراد یا گروه‌های اقلیت قومی تأثیر می‌گذارند که بسیاری از این ساختارهای فرهنگی و ایدئولوژیکی از تداوم و عادی‌سازی پرکتیس‌های روزمره نشئت می‌گیرند. برتری هویت، منافع و ارزش‌های گروه اکثریت، وجود پیش‌داوری‌ها و تصور ذهنی منفی به گروه اقلیت، تبعیض و واکنش‌های نژادپرستانه، عدم مواجهه و تماس مؤثر، عدم پذیرش از سوی گروه‌های اقلیت و اکثریت و ایجاد مرزبندی، از جمله عوامل اجتماعی-فرهنگی هستند. از بعد فضایی نیز قومی‌سازی فضاها، تمرکز و خوشه‌بندی قومی در بافت‌های شهری، محدودیت عرصه سکونت، حرکت و فعالیت برای غلبه بر ترس از دیگری، در کنار وجود تبعیض در برخورداری از امکانات و تسهیلات، سبب تشدید تجربه طرد می‌شود.

پیامدهای ناشی از این پدیده اجتماعی عبارت‌اند از: ۱. کاهش مشارکت افراد یا گروه‌ها در حیات اجتماعی و سیاسی؛ ۲. بیکاری؛ ۳. فقر درآمدی؛ ۴. اشتغال در فعالیت‌های غیررسمی؛ ۵. افت کیفیت زندگی؛ ۶. کاهش انسجام جامعه؛ ۷. قرارگیری در آسیب‌های اجتماعی؛ ۸. افزایش فاصله و شکاف اجتماعی؛ ۹. کاهش منزلت اجتماعی؛ ۱۰. تهدید سلامت فردی؛ ۱۱. تمرکز و جدادگی؛ ۱۲. کاهش ارزش املاک و مستغلات؛ ۱۳. محدود شدن گزینه‌های سکونت برای گروه‌های اقلیت قومی. در واقع از طریق افزایش نابرابری‌ها در زمینه‌های مختلف، مجدداً بر تفاوت‌های بین افراد و این بار نه فقط از بعد فرهنگی و قومی، بلکه در ابعاد گوناگون اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و قانونی می‌افزاید و چرخه‌ای را به وجود می‌آورد (شکل ۱) که در صورت عدم مداخله و تعدیل آن، ممکن است ادامه یابد. بدیهی است که مدل مفهومی ارائه‌شده در شکل ۱، یک مدل اولیه براساس مفاهیم مستخرج از پیشینه نظری و تجربی در خصوص پدیده طرد است که با توجه به ماهیت این پژوهش، در ادامه مطابق شرایط زمینه‌ای و تجارب مشارکت‌کنندگان در این پژوهش، اصلاح می‌شود.



تصویر ۱. مدل مفهومی اولیه از ابعاد و عوامل مؤثر بر طرد گروه‌های اقلیت قومی
منبع: نگارندگان (براساس مرور پیشینه نظری)

مواد و روش تحقیق

محدوده و قلمرو پژوهش

همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، محله جوکی‌های شهر ساری با توجه به اینکه به‌عنوان مرکز فروش مواد مخدر و مشروبات الکلی و فساد در شهر شهرت داشته است، با فشارهای اجتماعی ساکنان پیرامونی ناشی از ایجاد ناامنی و کاهش منزلت اجتماعی محله‌های پیرامونی و طی تصمیمات سیاسی و امنیتی، به‌منظور حل معضلات شهر و رفع آسیب‌های اجتماعی موجود، در دهه ۱۳۸۰ تخریب شد. اغلب جمعیت کولی ساکن در جوکی‌محله پس از جابه‌جایی، در شهرک نوینیا که در حاشیه شهر ساری قرار داد، سکونت یافتند؛ اگرچه تعداد اندکی نیز به محله غفاری (در بخشی از این محله نیز کولی‌ها سکونت دارند) یا روستاها و شهرهای پیرامونی مهاجرت کردند (تصویر ۲).^۱

۱. نویسندگان درخصوص نحوه پراکندگی کولی‌ها پس از جابه‌جایی از محله پیشین به سایر نقاط شهری و روستایی، منبع معتبری نیافتند، اما براساس مصاحبه‌ها و گفت‌وگوهای صورت‌گرفته با ساکنان، برخی افراد به‌وسیله ازدواج و وجود قرابت سببی با سایر کولی‌ها، مانند کولی‌های ساکن در محله غفاری ساری، قائمشهر یا بابلسر، به آنجا نقل‌مکان کردند، ولی بیشتر جمعیت کولی‌ها، در شهرک نوینیا ساکن یافتند.

هسته اولیه شکل‌گیری محله جوکی‌های شهر ساری به دوران قبل از انقلاب اسلامی برمی‌گردد (مهندسان مشاور طرح محیط پایدار، ۱۳۸۷: ۵) و درباره چگونگی سکونت آن‌ها در این بخش از شهر، اطلاعات دقیقی موجود نیست. با این حال، مطابق گفت‌وگوها و مصاحبه‌های انجام‌شده با ساکنان و کسبه فعلی محله که از سال‌های گذشته و در زمان سکونت کولی‌ها در این محله زندگی می‌کردند، می‌توان دریافت به دلیل اختلافات اربابان بر سر مالکیت اراضی یکی از اربابان به منظور حفاظت از مالکیت اراضی، تعدادی از کولی‌ها در این محدوده اسکان داده شدند و به تدریج تعدادشان افزایش یافت و در آنجا ساکن شدند: «اونا خیلی وقت بود اینجا ساکن بودن. درگیری بین دوتا طایفه (ارباب) باعث شد یکی از این اربابا یکی دو تا از اینا رو به‌عنوان چوب‌زن بیاره اینجا. بعدها پنج شیش تا خانوار اومدن و کم‌کم زیاد شدن.» همچنین در مصاحبه با کولی‌های ساکن در شهرک نوبنیاد نیز به قدمت سکونت کولی‌ها در این ناحیه اشاره شده است. یکی از ساکنان شهرک نوبنیاد در این خصوص گفت: «قبل از اینکه دانشگاه ساخته بشه ما اونجا زندگی می‌کردیم. اونجا کوره آجرپزی بود و قبل از اونم گندم‌زار بود و پدرها و پدربزرگ‌های ما اونجا کار می‌کردن.»

تصویر ۳ موقعیت این محله نسبت به گسترش فیزیکی شهر با گذشت زمان را نشان می‌دهد. همان‌گونه که در تصویر مشاهده می‌شود، این محله به‌طور تقریبی از دهه ۱۳۶۰ در درون محدوده شهری قرار گرفته و پیش از آن در خارج از محدوده شهر مستقر بوده است. از همین‌رو با رشد و توسعه شهری و قرارگیری محله جوکی‌ها در بافت میانی شهر و با توجه به وجود مسائل و آسیب‌های اجتماعی موجود در آن، محله به‌عنوان یک مشکل و معضل در درون شهر، در تصور شهروندان و مسئولان شهری شکل گرفت. بدین ترتیب رفع این مشکل از طریق جابه‌جایی این گروه قومی، در دستورکار مسئولان شهری و استانی قرار گرفت. در تصویر ۴ که مربوط به نقشه کاربری اراضی پیشنهادی طرح تفصیلی شهر ساری (مهندسان مشاور طرح و آمایش، ۱۳۸۴) است، مشاهده می‌شود کلیه اراضی که محل سکونت کولی‌ها بوده (مقابل ضلع جنوبی و غربی دانشگاه فنی و حرفه‌ای)، به معبر و کاربری‌های فضای سبز، فرهنگی و ورزشی تخصیص یافته‌اند. بدین ترتیب اراضی تحت مالکیت کولی‌ها، با همکاری شهرداری، استانداری و دستگاه‌های قضایی و امنیتی، در دهه ۱۳۸۰، تملک و به شهرداری تخصیص یافت.

روایات متعددی از چگونگی اسکان کولی‌ها در شهرک نوبنیاد وجود دارد. در گفت‌وگو با یکی از مدیران استانداری مازندران، به واگذاری اراضی اشاره شده که دولت به کولی‌ها داده است. از سویی، در گفت‌وگو با کولی‌های شهرک نوبنیاد، سابقه سکونت چند تن از کولی‌ها در شهرک جانبازان (نام پیشین شهرک نوبنیاد) مطرح شده است. این افراد به‌علت پیوندهای خویشاوندی و دوستی، خرید زمین و سکونت در این محله را به برخی از جمعیت رانده‌شده

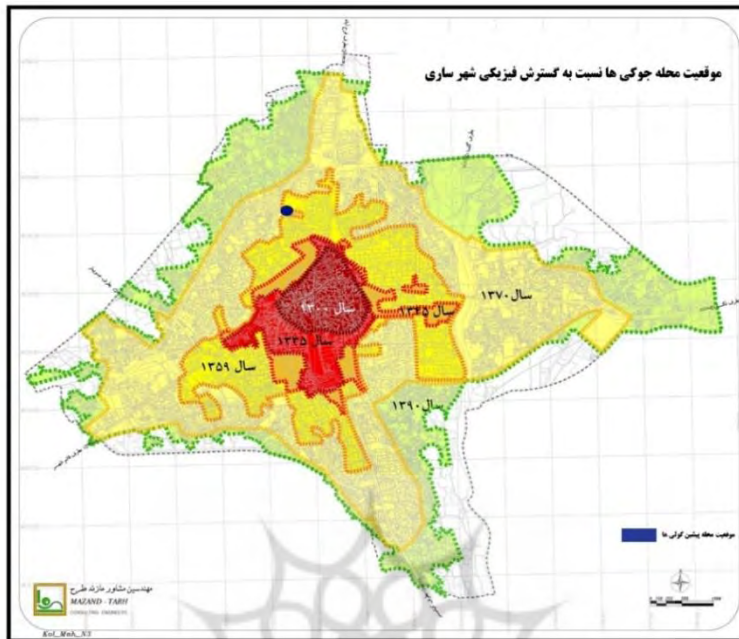
پیشنهاد کردند و به تدریج سایرین نیز به این محله نقل مکان کردند: «یکی دوتا از دوستان ما که اینجا بودن، جانباز بودن و بهشون زمین داده بودن. اونا پیشنهاد کردن و تعدادی از دوستان چند تا خونه و زمین خریدن و درست کردن. تقریباً همه با هم فامیل هستن. بقیه که اومدن، بچه‌هاشونم اومدن و جمعیت زیاد شد.»

همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، محل سکونت کولی‌های شهر ساری به این محله محدود نیست و خوشه‌های سکونتی دیگری از کولی‌ها نیز در شهر و روستاهای اطراف وجود دارد، اما با توجه به اینکه اغلب جمعیت کولی ساکن در جوکی محله پیشین در شهرک نوبنیاد مستقر شده و تغییر محل سکونت را با طرد تجربه کرده‌اند، در این پژوهش بر کولی‌های ساکن در این محله تمرکز شده است. با این حال، گستره مشارکت‌کنندگان در این پژوهش محدود به ساکنان محله نیست و دیدگاه سایر شهروندان و همچنین مقامات و مسئولان شهری و محلی که بر فرایند طرد کولی‌ها تأثیر می‌گذارد، بررسی شده است. تمرکز و خوشه‌بندی قومی، موقعیت حاشیه‌ای نسبت به شهر و برخوردار نبودن از امکانات، نشان‌دهنده موقعیت جداسده این شهرک از شهر است که در کنار تجربه جابه‌جایی اجباری، از جمله دلایل انتخاب این شهرک به‌عنوان قلمرو اصلی پژوهش بوده است.

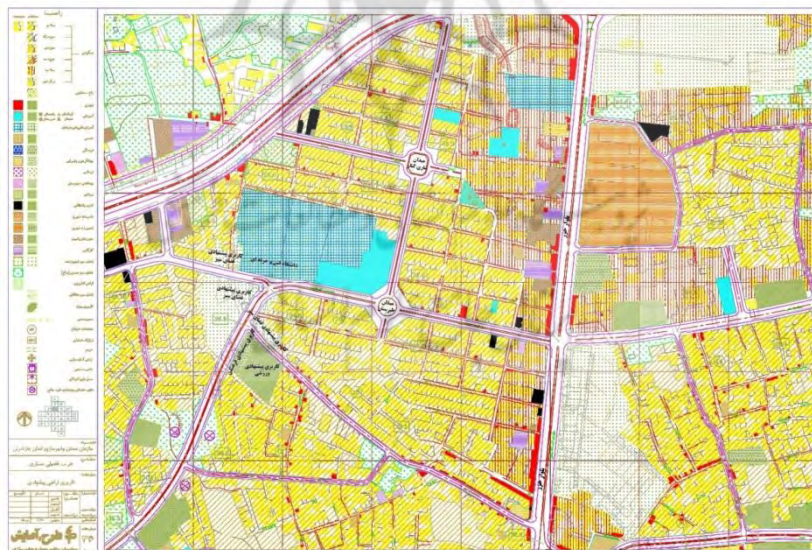


تصویر ۲. موقعیت محله‌ها نسبت به شهر ساری

منبع: نگارندگان



تصویر ۳. موقعیت محله جوکی ها نسبت به گسترش فیزیکی شهر در دوره‌های مختلف زمانی
منبع: نگارندگان و مهندسان مشاور مازند طرح، ۱۳۹۴



تصویر ۴. نقشه کاربری اراضی پیشنهادی طرح تفصیلی شهر ساری، ۱۳۸۴
منبع: مهندسان مشاور طرح و آمایش، ۱۳۸۴

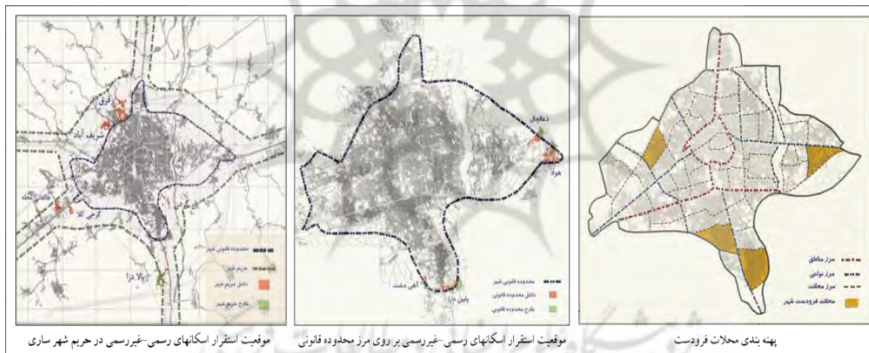


تصویر ۵. معرفی شهرک نوبنیاد
منبع: دادویی‌نژاد و نگارندگان (۱۳۹۳)

شهرک نوبنیاد در غرب ساری و مطابق طرح جامع (مهندسان مشاور مازند طرح، ۱۳۹۴) در حریم شهر واقع شده است. همچنین در تقسیمات سیاسی، روستا و دارای دهیاری است. دسترسی سواره به این محله، از طریق راه رودپشت در جاده قائم‌شهر به ساری میسر است که از ابتدای راه مذکور، یک دسترسی فرعی به موازات جاده و ریل راه آهن امتداد یافته است و در نهایت به ابتدای محور اصلی محله می‌رسد (تصویر ۵). محور مذکور، تنها محور آسفالت‌شده در محله و سایر معابر و دسترسی‌های موجود، خاکی است. همچنین تنها یک پل کوچک، دسترسی پیاده را از ابتدای محله به جاده قائم‌شهر به ساری فراهم می‌کند. به لحاظ برخورداری از امکانات و خدمات زیربنایی و روبنایی، این محله دارای مسجد، دبستان (کانکس)، زمین فوتبال (با امکانات ابتدایی)، مهدکودک (نیمه تعطیل)، چند فروشگاه کوچک محلی و منبع تأمین آب شرب است که نیازهای روزانه ساکنان را تأمین می‌کند. علاوه بر آن، پایگاه بهداشت، پایگاه خدمات اجتماعی بهداشتی، پایگاه نیروی انتظامی و پایگاه بسیج، خدمات مرتبط با هریک از سازمان‌های تابعه را ارائه می‌کنند. همچنین در «شناسنامه اجتماعی مناطق آسیب‌خیز استان مازندران»، بهسازی و آسفالت معابر، ایجاد پارک و زمین ورزشی، نانوايي، دسترسی به حمل‌ونقل عمومی، و ضرورت مهارت‌آموزی و ایجاد اشتغال برای ساکنان، از جمله

اولویت‌های ایجاد امکانات معرفی شده است (ستاد ساماندهی مناطق ویژه اجتماعی استان مازندران، ۱۳۹۸).

در «گزارش سامان‌دهی سکونتگاه‌های غیررسمی و اقدامات توانمندسازی اجتماعات آن‌ها» (مهندسان مشاور طرح محیط پایدار، ۱۳۸۷)، محله‌های فرودست در محدوده قانونی شهر و علاوه بر آن، موقعیت استقرار اسکان‌های رسمی-غیررسمی روی مرز محدوده قانونی شهر و در حریم شهر ساری شناسایی شدند (تصویر ۶). علی‌رغم قرارگیری شهرک نوینیا در حریم شهر و با توجه به ویژگی‌های اجتماعی-فرهنگی اجتماعات آن و همچنین وضعیت کالبدی-فضایی محدوده، شهرک نوینیا جزء اسکان‌های رسمی-غیررسمی در حریم شهر معرفی نمی‌شود. باین‌حال، در «شناسنامه اجتماعی مناطق آسیب‌خیز استان مازندران» (ستاد ساماندهی مناطق ویژه اجتماعی استان مازندران، ۱۳۹۸) که در راستای اجرای ساختار متمم سند شناسایی محله‌های حاشیه‌نشین استان مازندران تهیه شده است، شهرک نوینیا به‌عنوان یکی از مناطق آسیب‌خیز شهر ساری با آسیب‌های اعتیاد، فروش مواد مخدر و روسپیگری و بافت فیزیکی نوساز و غیراستاندارد شناسایی شده است.



تصویر ۶. موقعیت محله‌های فرودست شهری و اسکان‌های رسمی-غیررسمی روی مرز

محدوده قانونی شهر و در حریم شهر ساری

منبع: مهندسان مشاور طرح محیط پایدار، ۱۳۸۷

براساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال‌های ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ جمعیت شهرک نوینیا به ترتیب ۵۵۸، ۵۵۳ و ۵۳۳ نفر با تعداد خانوار ۱۲۰، ۱۶۶ و ۱۷۸ بوده است، اما با توجه به اینکه برخی از کولی‌های شهرک نوینیا به‌منظور درآمدزایی، به‌صورت موقت در شهرهای بزرگ مانند تهران اسکان دارند، همراه با بازگشت آن‌ها به شهرک نوینیا، جمعیت محله تغییر می‌کند.

شایان ذکر است که کولی‌ها در شهر ساری به دو دسته اصلی تقسیم می‌شوند: به گروهی از آنان در گویش محلی، گودار و به گروهی دیگر، جوکی یا جوگی می‌گویند. گروه اول در گذشته بیشتر به نوازندگی و نگهبانی در باغات و مزارع به‌منظور جلوگیری از حمله حیوانات وحشی به محصولات کشاورزی مشغول بوده‌اند و حرفه اصلی گروه دوم نیز اغلب آهنگری بوده است. اگرچه با تغییر شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور طی سالیان متمادی و کاهش تقاضا برای حرفه‌هایی که آن‌ها پیش‌تر در آن مهارت داشتند، به تدریج نحوه معیشت آن‌ها دستخوش تغییر شده و در حال حاضر از جهت حرفه و شغل تمایز بین آن‌ها چندان ممکن نیست، این تفکیک به‌لحاظ طایفه‌ای را هم خودشان و هم سایر شهروندان تأیید می‌کنند. علاوه‌براین، مطالعات یزدان‌پناه (۱۳۸۳) که به بررسی گروه‌های عمده کولی در مازندران در شش شهر آمل، بابل، قائم‌شهر، ساری، نکا و بهشهر پرداخته است، نیز این امر را تأیید می‌کند. مطابق پژوهش‌های وی، کولیان مازندران به دو گروه بزرگ و متفاوت جوکی‌ها یا غربتی‌ها و گودارها تقسیم می‌شوند. تبار جوکی‌ها به نیای واحد پدری می‌رسد و برخی از کولیان خود را از نیای کاوه آهنگر می‌دانند و به آهنگربودن خویش جنبه عشیره‌ای داده‌اند و برخی دیگر نیز تبار خود را به داوود و یعقوب آهنگر نسبت می‌دهند. گودارها که طایفه‌ای متفاوت از جوکی‌ها هستند، به دو گروه مطرب و نوازنده، و میرشکار تقسیم می‌شوند. همه جوکیان به حرفه آهنگری یا به حرفه‌هایی نظیر آن مشغول بودند. برخی نیز خود را خراط می‌دانستند؛ درحالی‌که گودارها از لحاظ شغلی، نوازنده‌هایی دوره‌گرد بودند که به کارهای مطربی، سیرک‌بازی، شعبده‌بازی و امثال آن اشتغال داشتند یا از میرشکارها بودند که خوک و گراز شکار می‌کردند. به‌لحاظ زبانی نیز زبان این دو گروه تا حد زیادی متفاوت است (یزدان‌پناه ۱۳۸۳: ۱۳۷-۱۳۹).

بدین ترتیب به‌منظور شرح تنوع قومی و فرهنگی در شهرک نوبنیاد و براساس شمارش ساکنان آن طی گفت‌وگوها و مصاحبه‌های انجام‌شده، می‌توان گفت بیش از ۹۰ درصد از ساکنان شهرک، جوکی‌ها هستند، حدود ۵ درصد گودارها و کمتر از ۵ درصد باقی‌مانده را نیز سایر اقوامی تشکیل می‌دهند که پیش از مهاجرت جوکی‌ها سکونت داشته‌اند یا با توجه به شرایط اجتماعی و اقتصادی به آنجا آمده‌اند. با توجه به اینکه گودارها پیشینه هندی دارند و نه‌تنها توسط سایر شهروندان، بلکه گاهی حتی توسط جوکی‌ها نیز کمتر پذیرفته می‌شوند، در پژوهش، این تفکیک طایفه‌ای مد نظر نبوده و تجارب زیسته هر دو طایفه به‌عنوان گروه کولی به‌همراه مشاهدات میدانی و بررسی‌های پژوهشگران بررسی شده است.

روش پژوهش

اهداف و پرسش‌ها، جهت‌گیری اصلی پژوهش را مشخص می‌کنند. هدف اصلی این پژوهش، معطوف به اکتشاف، توصیف و فهم پدیده‌ها است؛ زیرا علاوه بر ارائه شرح ویژگی گروه و پدیده مورد نظر و الگوی روابط در متن اجتماعی، یافتن دلایل یا تعبیر کنشگران اجتماعی برای کنش‌هایشان و معانی رویداد یا فعالیت در یک متن اجتماعی خاص نیز مد نظر است. بدین ترتیب پیش‌فرض‌های فلسفی این پژوهش به‌لحاظ هستی‌شناسی معطوف به آن است که واقعیت ذهنی و چندگانه، و همان چیزی است که مشارکت‌کنندگان مطالعه درک می‌کنند. از لحاظ شناخت‌شناسی، فرایند مطالعه در جایی انجام شده که مشارکت‌کنندگان موضوع مورد بحث شامل طرد و جدادگی را تجربه کردند تا شناخت عمیق‌تر و دست‌اول از مشارکت‌کنندگان و گروه اجتماعی مورد نظر به‌دست آید. از نظر روش‌شناسی نیز پژوهشگران برآنند تا پدیده طرد و جدادگی کولی‌ها را در بستر طبیعی بروز این پدیده مطالعه کنند و به فهم این پدیده‌ها و تعاملات پیچیده بین عوامل آن، برحسب معنایی که افراد مشارکت‌کننده در تحقیق به آن می‌دهند، دست یابند. با توجه به مفروضات این پژوهش می‌توان دریافت که الگو یا جهان‌بینی حاکم بر این پژوهش از نوع تفسیری/پرساخت‌گرایی اجتماعی است. رویکرد این پژوهش از نوع کیفی است و با بهره‌گیری از روش مردم‌نگاری و تحلیل محتوای کیفی، ضمن درک ویژگی کولی‌ها در بستر مورد نظر و تجربه طرد و جدادگی آن‌ها، به تحلیل پرکتیس‌ها^۱ و واکنش‌های آنان به طرد و جدادگی اجتماعی-فضایی پرداخت. از همین‌رو به‌منظور بررسی پرکتیس‌ها، کنش‌ها و تعاملات بین افراد که شکل‌دهنده فرایندهای اجتماعی است، از تکنیک‌های مردم‌نگاری و برای سازمان‌دهی داده‌ها و جدانبودن فرایند تحلیل از گردآوری داده، از روش تحلیل محتوای کیفی به‌طور هم‌زمان استفاده شد. بدین ترتیب با حرکت در یک پیوستار امیک^۲ (نگاه از درون میدان) و اتیک^۳ (نگاه از بیرون) و از طریق ارتباط مستمر با

۱. از آنجا که برابری فارسی مانند کردار، کنش، عمل برای واژه پرکتیس از نظر بسیاری از مترجمان نارسا یا اشتباه است، در این مقاله به‌منظور جلوگیری از نارسایی ترجمه، از واژه پرکتیس استفاده شد. براساس اندیشه فرکلان (۱۹۸۹)، سه سطح انتزاع برای تحلیل اجتماعی شرح داده می‌شود: ساختارهای اجتماعی، پرکتیس‌های اجتماعی و رخدادهای اجتماعی. ساختارهای اجتماعی کلی‌ترین و باثبات‌ترین ویژگی جوامع هستند و پرکتیس اجتماعی واسطه بین ساختار اجتماعی و رخداد اجتماعی است. اگر ساختارهای اجتماعی آنچه را می‌تواند انجام شود یا رخ دهد، محدود می‌کنند و رخدادهای اجتماعی همان چیزهایی هستند که در عمل انجام می‌شوند یا رخ می‌دهند، پرکتیس‌های اجتماعی واسطه میان این دو هستند. آن‌ها شیوه‌های عادت‌گونه، آیینی یا نهادی‌اند (صادقی فسائی و روزخوش، ۱۳۹۴: ۱۴-۱۵).

2. Emic

3. Etic

موضوع و گروه قومی مورد مطالعه، گردآوری داده‌ها، براساس چهار گروه مشاهدات و یادداشت‌های پژوهشگران، اسناد و طرح‌های توسعه و عمران شهری و روستایی، گزارش‌های خبری و مطبوعاتی و درنهایت گفت‌وگوها و مصاحبه‌ها صورت گرفت. مشاهدات میدانی و مصاحبه‌ها در بازه زمانی خرداد تا نیمه اول آذر ۱۴۰۰ صورت گرفت.

برای تعیین گروه‌های هدف اطلاع‌رسان که درگیر و حامل انواع تجربه‌های زیسته هستند، از روش نمونه‌گیری هدفمند بهره گرفته شده است. با توجه به موضوع پژوهش، درنظرداشتن سه گروه از مشارکت‌کنندگان شامل کولی‌ها، سایر شهروندان -که به‌ویژه در همسایگی یا ارتباط فعالیتی با کولی‌ها قرار داشته یا دارند- و مسئولان محلی و شهری، و مقامات رسمی دست‌اندرکار ضروری به‌نظر می‌رسد. با درنظرداشتن این امر، از روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی که یکی از فنون نمونه‌گیری غیراحتمالی در پژوهش‌های کیفی است (برور، ۲۰۰۵: ۷۹)، نیز بهره گرفته شده است. با درنظرداشتن تنوعات برای اینکه کلیه موضوعات پژوهش تحت پوشش قرار گیرد، تنوع نقش مشارکت‌کنندگان به‌عنوان کنشگر (کولی‌ها، غیرکولی‌ها، مسئولان و مقامات دست‌اندرکار) مورد توجه واقع شد و مصاحبه‌ها تا دستیابی به اشباع داده‌ها ادامه یافتند.

پنج مصاحبه با مسئولان استانداری و اداره راه و شهرسازی استان مازندران و پایگاه خدمات اجتماعی بهزیستی محله انجام شد. هفت مصاحبه با شهروندان غیرکولی که در فعالیتی با ساکنان محله مورد نظر بوده‌اند، سابقه همسایگی با آن‌ها یا سکونت در محله نوین‌پاد را داشته‌اند یا به‌دلیل ازدواج با فرد کولی، از گروه مورد نظر شناخت کافی داشته‌اند، نه مصاحبه با کولی‌های ساکن در محدوده و دو مصاحبه نیز به‌صورت گروه‌های کانونی کوچک با آن‌ها انجام شد که با توجه به حساسیت موضوع در انتخاب این نمونه‌ها تمایل افراد به مصاحبه، امکان جلب اعتماد از طریق مسئولان محلی فعال در محله یا ساکنان محلی تأثیرگذار بوده است. همچنین یادداشت‌های پژوهشگران درمورد حضور در میدان و بررسی کنش‌ها در بستر مورد مطالعه، اسناد، گزارش طرح‌ها و برنامه‌های مصوب شهری و گزارش‌های خبری و مطبوعاتی مرتبط با اجتماع و محدوده مورد نظر نیز تحلیل شد. برای اطمینان از اعتبار داده و دستیابی به داده باکیفیت، غوطه‌وری پژوهشگران در اجتماع مورد نظر، در کنار استفاده از شیوه‌های مختلف گردآوری داده و تنوع مشارکت‌کنندگان در تحقیق، مد نظر قرار گرفته که حرکت در یک پیوستار امیک و اتیک را فراهم آورده است. همچنین به‌منظور اطمینان از فرایند تحلیل و اعتبار کدها، مفاهیم و مقولات، در برخی موارد، مجدداً به مشارکت‌کنندگان رجوع، و کنترل و اصلاحات لازم انجام شد. علاوه بر آن، پیشینه نظری و تجربی پژوهش بررسی و بین یافته‌های پژوهش با مفاهیم و مدل مستخرج از پیشینه نظری و تجربی نیز مقایسه‌ای انجام شد.

یافته‌ها

تجزیه و تحلیل داده‌ها

کلیه داده‌های حاصل از مشاهدات و یادداشت‌های پژوهشگران، اسناد (مانند اسناد توسعه شهر و روستا و...)، گزارش‌های خبری و مطبوعاتی و گفت‌وگوها و مصاحبه‌ها تجزیه و تحلیل شده‌اند. طی فرایند تجزیه و تحلیل داده‌ها، از مجموع ۳۸۱ عبارت، ۶۲ مفهوم، ۱۳ مقوله فرعی و ۶ مقوله اصلی حاصل شد که نحوه دستیابی به این مقولات در جدول (۱) نشان داده شده و در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود.

فرهنگ متمایز: زیست‌جمعی را می‌توان بخشی از فرهنگ قومی کولی‌ها قلمداد کرد که هم در فضای خصوصی خانه و هم در فضای نیمه‌خصوصی/نیمه‌عمومی مجاور خانه نمود می‌یابد. در واقع زندگی چندخانواری یا در مجاورت خویشاوندان، لزوماً نشان‌دهنده محدودیت‌های اقتصادی نیست، بلکه اغلب نشان‌دهنده گرایش آن‌ها به زندگی گروهی است. یکی از مشارکت‌کنندگان در مورد خانه پدری خود در جوکی محله پیشین (مهدی‌آباد) گفت:

«خونه‌ها انقدر بزرگ بود که هرکدوم از پسرها که ازدواج می‌کردن تا چهار پنج سال همونجا

می‌موندن و همه با هم زندگی می‌کردن؛ مثلاً یکی پنج تا پسر داشت و همه باهم زندگی

می‌کردند. خونه‌ها انقدر بزرگ بود که براشون کافی بود و هرکی یه اتاق داشت... همه با هم

سر یه سفره بودن»

برخی از کولی‌های ساکن در شهرک نوینباد بعد از تجربه جابه‌جایی از مهدی‌آباد به شهرک، تجربه زندگی گروهی در خانه‌های مهدی‌آباد را به‌عنوان یکی از عوامل حس تعلق به محله پیشین اعلام کردند. بعد از جابه‌جایی، به دلیل وسعت زیاد خانه‌ها و باارزش‌تر بودن املاک در مهدی‌آباد در مقایسه با شهرک نوینباد، برخی از خانواده‌ها، به‌ازای خانه خود، خانه یا زمین‌های بیشتری در شهرک خریداری و بین فرزندان خود تقسیم می‌کردند تا هریک از فرزندان و خانواده آن‌ها در آن ساکن شوند. بدین ترتیب جابه‌جایی از محله پیشین به شهرک نوینباد اگرچه تا حدی بر شرایط زیست‌جمعی کولی‌ها تأثیر گذاشت، در زمینه مورد بررسی، با توجه به جمعیت محدود در شهرک نوینباد و وجود پیوندهای خویشاوندی و قومی، مرز بین فضای خصوصی و عمومی به‌ویژه در طول روز بسیار نرم بود؛ به طوری که درب بسیاری از خانه‌ها باز است و مرز بصری فضاها با پوششی پارچه‌ای تعیین می‌شود و رفت‌وآمدهای نزدیکان را در طول روز تسهیل می‌کند. بدین ترتیب فرهنگ زندگی گروهی و خویشاوندی، و سرمایه اجتماعی درون‌گروهی قوی، نظارت اجتماعی بالایی بر قلمروهای نیمه‌عمومی و عمومی پیرامون فراهم می‌آورد که به حضور هر غریبه‌ای در فضا حساس است و فعالیت‌های وی را کنترل می‌کند؛ بنابراین در این شرایط، کولی‌ها او را طرد می‌کنند؛ اگرچه آسیب‌های موجود در محله و مراجعه غریبه‌ها نیز نظارت بر رفت‌وآمد آن‌ها را تشدید می‌کند.

عامل بعدی در ایجاد تمایز فرهنگی، نگرش متفاوت به تحصیلات، ازدواج و معیشت است؛ به این صورت که ازدواج زودهنگام، ترک تحصیل بعد از مقطع ششم ابتدایی یا ادامه تحصیل تا اخذ مدرک دیپلم در میان دختران و پسران کولی بسیار رایج است و این امر فرصت‌های رشد و توسعه فردی و همچنین حضور در اجتماع خارج از خوشه قومی را کاهش می‌دهد. به عبارت دیگر این امر نه تنها فرصت‌های آموزش، کسب مهارت و توانمندسازی افراد را محدود می‌سازد و زمینه را برای محرومیت‌های اقتصادی و اجتماعی فراهم یا تشدید می‌کند، بلکه سبب می‌شود افراد از فضایی که امکان بروز هویت و فرهنگ یا تبادل بینافرهنگی را دارند، دور شوند و کمتر در معرض ارتباط و تعاملات با سایرین قرار گیرند. در واقع با وجود مدرسه ابتدایی در شهرک نوینیا به‌عنوان تنها مرکز آموزشی در شهرک، تحصیل در مقاطع بالاتر منوط به حرکت به سوی اجتماعات دیگر در محدوده روستاهای پیرامونی یا درون شهر است که علی‌رغم به‌وجود آوردن مشکلات دسترسی برای دانش‌آموزان شهرک، فرصت اختلاط و تبادل بینافرهنگی را در یک محیط اجباری به افراد می‌دهد، اما با وجود مشکلات دسترسی به امکانات آموزشی به‌عنوان یکی از عوامل بازدارنده، در واقع نگرش فرهنگی کولی‌ها به آموزش، اهمیت ورود به عرصه درآمدزایی از سنین پایین و ازدواج‌های زودهنگام از جمله عوامل فرهنگی است که زمینه جداسازی آن‌ها را به‌وجود می‌آورد؛ برای مثال، در یک مصاحبه گروهی با کارکنان بهزیستی و یک خانم از اهالی کولی، به اهمیت نداشتن تحصیلات فرزندان برای خانواده‌ها اشاره شد: «یکی مثل پدر ...» چندتا خونه داره؟... ، آیا بچه‌شو می‌فرسته مدرسه؟ نه! ... فکر و نگرش اون همینه...»

نگرش فرهنگی به موضوع معیشت، اشتغال و کسب درآمد در اجتماع مورد نظر، از الگوی واحدی پیروی نمی‌کند. در تعداد اندکی از خانواده‌ها، معیشت از راه تکیه‌گری یا دستفروشی و اغلب با محوریت زنان و کودکان انجام می‌شود^۱ که گاهی علی‌رغم دستیابی به ثروت و گذار از مرحله بقا، این الگو همچنان ادامه می‌یابد، اما معیشت برخی دیگر از خانواده‌ها مبتنی بر فروش و توزیع مواد مخدر است که در این عرصه حضور مردان بیشتر است^۲. اگرچه نحوه معیشت به

۱. با توجه به محرمانه بودن اطلاعات خانوار، امکان دستیابی به آمار دقیق از شغل و میزان درآمد وجود ندارد و موارد ذکر شده براساس مصاحبه‌های انجام‌شده با کولی‌ها و ساکنان پیرامونی است.

۲. علاوه‌برآنکه در «شناسنامه اجتماعی مناطق آسیب‌خیز استان مازندران»، از اعتیاد و فروش مواد مخدر به‌عنوان آسیب‌های اجتماعی موجود در محله نام‌برده‌شده، گزارش‌های مطبوعاتی مبنی بر جمع‌آوری معتادان و دستگیری توزیع‌کننده‌های مواد مخدر در شهرک نوینیا در دوره‌های مختلف، مشاهدات میدانی پژوهشگران، مصاحبه با افرادی که دارای به‌دلیل توزیع مواد مخدر سابقه زندان دارند و مراجعان به این محله برای خرید مواد مخدر نیز بر این امر دلالت دارد؛ به‌طوری که یکی از مراجعان به محله، در این خصوص بیان کرد: «اینجا همه چی وفور نعمته، تریاک، هرویین، شیشه و ... اکثراً میان اینجا، قیمت نسبت به داخل شهر خیلی ارزون‌تره، اما عباس‌آباد نکا خیلی ارزون‌تره از اینجا».

این دو الگو محدود نیست و برعکس اشتغال در شغل‌های موقت و فصلی (کارگری در باغات و مزارع، بنایی، پیک‌موتوری، نوازندگی و...)، مشاغل خرد خانگی و در سطوح باثبات‌تر بقالی، خریدوفروش خودرو و... نیز در میان ساکنان شهرک وجود دارد، دو مورد اول به‌عنوان الگوهای معیشتی نابهنجار در برخی خانواده‌های کولی، الگوی ذهنی را برای سایرین ایجاد کرده که معرف نگرش فرهنگی همه کولی‌ها به موضوع معیشت است. وجود مواردی از قبیل فساد و فحشا نیز این الگوی ذهنی سایرین از کولی‌ها را تشدید می‌کند و این امر درحالی است که کولی‌ها دارای اعتقادات مذهبی هستند و از جمله اشتراکات فرهنگی آن‌ها با دیگران، برگزاری و شرکت در مراسم مذهبی است که زمینه ارتباط، تعامل و پذیرش را نیز فراهم می‌آورد. درخصوص تفاوت زبانی، شایان ذکر است که کولی‌ها علی‌رغم برخورداری از زبان ویژه و تکلم با آن زبان در روابط درون‌گروهی خود، به زبان فارسی و در برخی از موارد به زبان مازندرانی نیز تسلط دارند و بدین ترتیب به‌لحاظ زبانی در جامعه طرد نمی‌شوند.

عدم پذیرش دیگری (به‌صورت دوسویه): نپذیرفتن دیگری در زمینه مورد بررسی به گونه‌های مختلفی خود را نشان می‌دهد. درواقع عدم پذیرش دیگری، به‌صورت دوسویه است و با گذشت زمان، طرد هم از سوی سایر شهروندان و هم از سوی کولی‌ها صورت می‌گیرد. تأثیر جابه‌جایی اجباری سبب به‌وجودآمدن یک سابقه خصومت در حافظه جمعی شده که در تشدید این امر بی‌تأثیر نبوده است؛ برای مثال کولی‌ها علاوه‌برآنکه به حضور تازه‌واردان و افراد ناشناس در شهرک حساس هستند، سکونت یا فعالیت سایرین را در شهرک نیز پذیرا نیستند؛ برای نمونه یکی از کولی‌ها که عضو شورای روستا نیز بود، گفت: «غریبه / اینجا راه نمی‌دیم و حتی صحبت کردیم کسی زمین به غریبه نفروشه.»

اگرچه با ورود کولی‌ها به شهرک نوینباد (که پیش‌تر شهرک جانبازان نامیده می‌شد)، بسیاری از مالکان، اراضی و املاک خود را فروختند و از شهرک خارج شدند، ادامه سکونت در محله برای معهود افرادی که باقی ماندند با تنش‌های بسیاری همراه بوده است. بااین‌حال به نظر می‌رسد قدمت سکونت و فعالیت در محله تا حد زیادی بر اعتمادسازی و قابلیت پذیرش دیگری مؤثر است؛ به‌گونه‌ای که افراد غیرکولی ساکن در محله به عضویت شورا درآمده‌اند و در انجام وظایف مربوطه تعامل مناسبی میان آن‌ها و سایر کولی‌ها وجود دارد. این امر درباره کارکنان سازمان‌های فعال در شهرک نوینباد نیز صدق می‌کند؛ به‌طوری‌که سابقه فعالیت در محله و جلب اعتماد از طریق ارائه خدمات در پذیرش آن‌ها توسط کولی‌های ساکن بسیار مؤثر است.

از طرفی، کولی‌ها نیز در عرصه‌های مختلف عدم پذیرش را تجربه می‌کنند؛ به این صورت که بسیاری از شهروندان مایل به رفت‌وآمد، برقراری رابطه صمیمی با کولی‌ها، کار یا سکونت در محله کولی‌نشین و مجاور آن نیستند. در چند نمونه از مصاحبه‌های انجام‌شده، علی‌رغم آنکه به

ویژگی‌هایی از این گروه قومی که نشانه پذیرش برای فرد است (مانند بی‌آزاربودن، مسلمان‌بودن و...)، اشاره شده، درنهایت به‌ضرورت رعایت فاصله و عدم اختلاط تأکید شده است. برخی از کولی‌ها نیز به عدم امکان تغییر شرایط و به‌عبارتی پذیرش طرد و شرایط فعلی اشاره کردند: «ما هم باید این‌طوری زندگی کنیم دیگه، فرق می‌کنیم با بقیه.» با این حال، براساس تجارب مشارکت‌کنندگان در تحقیق، تجربه حس تبعیض و طرد کولی‌ها تنها از سوی شهروندان نیست و از سوی مسئولان و مقامات نیز تحمیل می‌شود؛ برای نمونه یکی از مسئولان پایگاه‌های فعال در محله بیان کرد: «این مسیر فقط آسفالت شده، این وضعیت کوچه‌هاست... یه روز بارونی تا بری توی اون کوچه‌ها، کلاً گلی می‌شی. آب اینجا لوله‌کشی شهری نیست، آب چاهه... اینجا نونوایی نداره؛ این سوپر نون میاره و به‌صورت آزاد می‌فروشه.» علاوه بر آن، یکی از ساکنان کولی نیز در این مورد اظهار کرد: «ما امکاناتی نداریم. دیروز بارون زده بود، کسی نمی‌تونست بیرون بیاد. پیگیری کردیم، ولی معلوم نیست کی آسفالت کنن، دل کوهو آسفالت کردن، اینجا رو خودشون ساختن، اما آسفالت نمی‌کنن.»

سرمایه اجتماعی درون‌گروهی بالا و نبود امکان تبادل بین‌فرهنگی: اجتماع کولی‌ها از سرمایه اجتماعی بالایی برخوردارند که خود علت و معلول تجربه طرد، طی سالیان متمادی است. از یک سو، به‌نوعی پیوندها و حمایت‌های درون‌گروهی، بسیاری از کاستی‌ها و جداشدگی‌ها ناشی از عوامل بیرونی را جبران می‌کند و از سویی دیگر، انزوا و جداشدگی گروه قومی مورد نظر را تشدید می‌کند. درواقع روابط و تعاملات برون‌گروهی کولی‌ها با سایرین بسیار محدود است و از نوع صمیمانه و دوستانه نیست و اغلب در سطح مراودات اقتصادی (مانند انجام معاملات، خرید از فروشگاه‌های خارج شهرک برای رفع نیازها) یا مراجعه به کارکنان ادارات دولتی به‌منظور دریافت خدمات مربوطه، بدون ایجاد تماس و مواجهه مؤثر برای تبادل بین‌فرهنگی است. از همین‌رو تعاملات بین کولی‌ها و سایر شهروندان به تماس‌های سطحی در حد انجام وظایف و رفع نیازها محدود می‌شود و به‌صورت سطح بالای تعاملات و ازدواج‌های درون‌گروهی و خویشاوندی، نبود روابط صمیمانه میان کولی‌ها و سایر ساکنان غیرکولی شهرک، برخوردارنبودن یا محدودبودن روابط دوستانه کولی‌ها با سایرین، انتخاب محل سکونت مطابق پیوندهای قومی و خویشاوندی و تشکیل خوشه قومی بروز می‌کند؛ برای مثال، یک مشارکت‌کننده در تحقیق درخصوص ارتباط بین فارس‌ها و کولی‌ها در شهرک گفت: «ما با هم‌زیونای خودمون رفت‌وآمد داریم، اما اونا (فارس‌ها) با ما رفت‌وآمدی ندارن.» همچنین درخصوص انتخاب محل سکونت جدید بعد از جابه‌جایی از مهدی‌آباد، یکی از مشارکت‌کنندگان بیان کرد: «قبیل از اینکه اونجا رو خراب کنن چند خانوار اینجا بودن و زندگی می‌کردن و بعد همه اومدن اینجا.» همچنین روابط و تعاملات درون‌گروهی بالا، برای اعضا در مقابل عوامل مخالف و مزاحم یک پشتوانه حمایتی فراهم می‌آورد که در روابط قدرت در اجتماع مورد نظر نقش آفرینی و عوامل

ناسازگار (خودی و دیگری) را سرکوب می‌کند. یکی از افراد غیرکولی ساکن در شهرک نوبنیاد در این مورد گفت: «گاهی وقت‌ها تنش هست، چه با بقیه چه بین خودشون... اگه تک باشن بی‌آزارن، اما وقتی تعدادشون زیاد باشه حمله می‌کنن.»

افتراق فضایی: جدادگی شهرک نوبنیاد و کولی‌های ساکن در آن به لحاظ فضایی از سه جنبه قابل بررسی است. در وهله اول نفوذپذیری شهرک نوبنیاد بسیار محدود است که این امر تا حد زیادی به دلیل امکان کنترل و نظارت انتظامی بر فضاها و قلمروهای عمومی، به دلیل وجود آسیب‌های اجتماعی در محله است. وجود ریل راه‌آهن و حریم آن، دسترسی مستقیم به جاده اصلی قائم‌شهر-ساری را غیرممکن ساخته است. بدین ترتیب دسترسی سواره، به یک مسیر آسفالتی باریک محدود می‌شود که از ضلع شمالی محله به موازات راه‌آهن، عبور می‌کند و به محور اصلی محله می‌رسد و ارتباط مستقیم بین محله و جاده اصلی تنها از طریق یک پل پیاده و کم‌عرض ممکن شده است. علاوه بر آن، وجود گذرهای خاکی در محله و خوانان بودن شبکه دسترسی به‌ویژه در لایه پیرامونی، محور اصلی محله، نفوذپذیری، خوانایی و حس دعوت‌کنندگی را کاهش می‌دهد.

موقعیت حاشیه‌ای شهرک نسبت به شهر، علی‌رغم نزدیکی به جاده اصلی قائم‌شهر به ساری و همجواری با لبه تجاری فعال جاده مذکور، به علت وجود ریل راه‌آهن، اراضی دولتی و کشاورزی در پیرامون محله تشدید می‌شود و امکان جابه‌جایی، تحرک و دسترسی ساکنان به شهر و امکانات مربوطه را محدود می‌کند؛ به طوری که در جریان مصاحبه، یک پیرزن کولی گفت: «اینجا گرفتار شدیم... اونجا خب تو شهر بود، بهتر بود... اینجا الان سخته. آژانس هم نمی‌تونم بگیرم؛ پولم نمی‌رسه.»

در نهایت سکونت محدود غیرکولی‌ها در محله، خروج تدریجی سایرین از محله، و فروش اراضی و املاک خود به کولی‌ها، بیانگر همگن‌بودن جمعیت به لحاظ قومی و شکل‌گیری خوشه‌های سکونت قومی در شهرک است؛ به این صورت که جمعیت اندک غیرکولی و حتی جمعیت اندک گودارها نیز در محله، در قالب خوشه‌های خرد مجزا استقرار یافته‌اند.

پیش‌داوری و تصور ذهنی منفی: تصورات منفی از الگوهای رفتاری، ویژگی‌های اخلاقی، توانایی‌ها، سطح بهداشت، شیوه زیست و درآمدزایی کولی‌ها اگرچه بر پایه رخداد‌های گذشته، شواهدی از وضع موجود و تکه‌هایی از واقعیت شکل گرفته است، به صورت شتابزده، ساده‌انگارانه و پیش‌داورانه به همه اعضای آن گروه، علی‌رغم وجود تفاوت‌های درون‌گروهی، تعمیم داده می‌شود و مبنای ارزیابی و قضاوت سایرین از کولی‌ها قرار می‌گیرد و بدین ترتیب در روابط بین کولی‌ها و سایرین تأثیر می‌گذارد. از همین رو واژه جوکی، گودار، کولی و غربتی اغلب با تصور و بار ذهنی منفی برای سایرین همراه شده است که تداعی‌کننده بزهکار، معتاد، مجرم،

پایبند نبودن به ارزش‌های اخلاقی، رعایت‌نکردن بهداشت و... است. این امر چنان در اذهان عمومی ریشه دوانده است که هر نشانه‌ای از آن مانند ویژگی‌های ظاهری، نام خانوادگی و محل سکونت عاملی برای شروع حساسیت‌ها و پیش‌داوری‌های ذهنی است؛ برای نمونه یکی از مشارکت‌کنندگان در این پژوهش بیان کرد:

«وقتی می‌ریم پاسپورت بگیریم، برای من که فامیلیمو عوض کردم همه چی عادی پیش می‌ره، اما کار خانمم به‌خاطر فامیلیش که اینجا شناخته شده، خیلی طولانی می‌شه و می‌گن باید اول بریم عدم سوءپیشینه بگیریم و بعد باقی کارها... موقع کارگرفتن هم همین‌طوره؛ کمتر اعتماد می‌کنن...»

جدول ۱. مقولات و مفاهیم حاصل از فرایند تجزیه و تحلیل داده‌ها

مقولات اصلی	مقولات فرعی	مفاهیم
فرهنگ متمایز	-زیست جمعی به عنوان بخشی از فرهنگ قومی	گرایش به زندگی گروهی/ وجود سلسله مراتب قدرت/ نظارت اجتماعی قوی/ رقت و آمدها و تعاملات قومی و خویشاوندی
عدم پذیرش دیگری (به صورت دوسویه)	تکثرش متفاوت به تحصیلات، اشتغال، ازدواج و ...	فقر فرهنگی/ ترک تحصیلات بعد از ششم و ادامه تحصیل محدود تا اخذ مدرک دیپلم/ رقت و آمد دانش آموزان به تهران در سال تحصیلی و ایجاد وقفه در فرایند یادگیری/ وجود کودکان کار در میان کودکان گولی/ ازدواج زودهنگام/ زنان و کودکان به عنوان نان آور خانه/ رفتارهای در تضاد با اعتقادات مذهبی
عدم پذیرش دیگران (به صورت دوسویه)	عدم پذیرش گولی‌ها توسط سایر شهروندان	عدم تمایل سایر شهروندان به رقت و آمد با گولی‌ها/ عدم تمایل ساکنین روستاهای پیرامون به استفاده مشترک از امکانات/ عدم تمایل سایرین به کار و زندگی در محله گولی‌ها/ وجود تبعیض از سوی مسئولین و مقامات/ جابه‌جایی اجباری گولی‌ها از طریق اقدام قانونی
عدم پذیرش سایر شهروندان توسط گولی‌ها	عدم وجود روابط موثر	تنش بین گولی‌ها و افراد تازه وارد و ناشناس/ وجود تنش بین گولی‌ها و سایر شهروندان
عدم وجود روابط موثر	عدم وجود روابط موثر	وجود روابط ضعیف و دوستانه محدود بین گولی‌ها با سایرین/ عدم وجود روابط صمیمانه یا تماس موثر میان گولی‌ها با سایر ساکنین شهرک/ وجود تعاملات و تماس‌های سطحی بین گولی‌ها و سایر شهروندان در حد انجام وظایف و رفع نیازها/ روابط و تعاملات درون گروهی بالا/ ازدواج‌های درون گروهی
عدم امکان تبادل بینا فرهنگی	عدم امکان تبادل	تشکیل خوشه‌های قومی/ وجود سرمایه اجتماعی درون گروهی در مقابل عوامل مخالف و مزاحم/ عدم امکان اعتراض به گولی‌ها به دلیل ایجاد ترس در سایرین
افتراق فضایی	تفوق‌ناپذیری	تفوق‌ناپذیری دسترسی محدود سواره و پیاده به محله / تفوق‌ناپذیری بصری و دعوت‌کننده نبودن ورودی محله/ وجود گذرهای خاکی در محله و خوانا نبودن شبکه دسترسی
موقعیت حاشیه‌ای نسبت به شهر	موقعیت حاشیه‌ای نسبت به شهر	قرارگیری در خارج از حریم شهری/ قرارگیری در آن سوی ریل راه آهن/ وجود اراضی کشاورزی به عنوان عامل محدود کننده ارتباط محله با پیرامون/ محدود بودن امکان جابه‌جایی و دسترسی ساکنین به شهر و امکانات آن
خوشه‌بندی	خوشه‌بندی	همگن بودن جمعیت (سکونت محدود غیر گولی‌ها در محله)/ خروج تدریجی سایرین از محله و فروش اراضی و املاک/ وجود خوشه‌های خرد و مجزا به لحاظ استقرار جمعیت چوکبهدار و گودارها و سایرین
پیش‌داوری و تصور ذهنی منفی	پرجسب زدن و تعمیم دادن تصورات منفی به همه گولی‌ها	پرجسب زدن به همه گولی‌ها به عنوان بزهدار و مجرم/ پایبند نبودن به ارزشهای اخلاقی/ همراه شدن کلیه جوگی، گودار، گولی‌ها با محله گولی‌ها با بار و تصور ذهنی منفی/ ویژگی‌های ظاهری، نام خانوادگی یا محل سکونت به عنوان عاملی برای شروع حساسیت‌ها و پیش‌داوری‌های ذهنی/ ناشناخته بودن نام خانوادگی در تهران و کاهش حساسیت‌ها/ بی‌اهمیت بودن یا ناشناس بودن قومیت در تهران برای اشتغال و حتی ازدواج
کم ارزش تلقی نمودن منزلت اجتماعی محله‌های گولی‌نشین	کم ارزش تلقی نمودن منزلت اجتماعی محله‌های گولی‌نشین	کاهش ارزش املاک در محله گولی‌نشین/ کاهش ارزش املاک و اراضی شهرک با ورود گولی‌ها/ عدم تمایل به زندگی در نوبنیاد به دلیل تصور ذهنی منفی درباره محل/ حضور گولی‌ها مبنی بر بدنام کردن محله و به وجود آمدن معضلات/ مراجعه غریبه‌ها به محله برای خرید مواد مخدر/ به خطر افتادن آبروی تمامی ساکنین کوچه و محله
محرومیت اجتماعی-اقتصادی	محرومیت اجتماعی-اقتصادی	عدم برخورداری از امکانات زیرساختی و رونمایی/ پایین بودن سطح بهداشت/ بی‌سوادی و کم سوادی/ فقر مالی در برخی از افراد و خانواده‌ها (تنوع وضع درآمدی گولی‌ها)/ نداشتن سواد و مهارت عامل ورود به اشتغال غیررسمی و غیرقانونی/ کمبود فرصت‌های شغلی برای گولی‌ها در منطقه/ تکدی‌گری/ بیکاری/ اشتغال غیررسمی/ اشتغال در شغل‌های موقت و فصلی/ اشتغال در بخش غیرقانونی
محرومیت قانونی-سیاسی	محرومیت قانونی-سیاسی	عدم برخورداری از مدارک هویتی/ وجود موانع برای اخذ شناسنامه و مدارک هویتی/ ناکارآمدی شورای روستا و دهیاری در بهبود شرایط/ استفاده از حق رای به عنوان ابزاری برای دستیابی به منافع جمعی (ایزاع مطالبه)

منبع: نگارندگان

در تهران به‌عنوان یک کلان‌شهر برخوردار از تنوع فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، پیش‌داوری‌ها و تصورات ذهنی منفی وجود دارد، اما کم‌رنگ‌تر است. بدین ترتیب موجب ناشناخته‌بودن نام خانوادگی، بی‌اهمیت‌بودن یا ناشناس‌بودن قومیت می‌شود و این مسئله فرصت‌های بیشتری را برای اشتغال، درآمدزایی، ازدواج و به‌طور کلی، اختلاط در جامعه به‌وجود می‌آورد؛ بنابراین بخش زیادی از جمعیت در محله به‌صورت موقت ساکن هستند و برای درآمدزایی، به تهران رفت‌وآمد می‌کنند. همچنین با کولی‌های ساکن حوالی میدان خراسان در منطقه ۱۵ تهران پیوندهای خویشاوندی بسیاری صورت می‌گیرد.

علاوه بر آن، پیش‌داوری‌ها و تصور ذهنی منفی در مورد کولی‌ها، به محل سکونت آن‌ها نیز بسط می‌یابد و عمدتاً ارزش املاک در محله‌هایی که کولی‌ها ساکن هستند، کمتر است و حتی ارزش املاک و اراضی شهرک نوینیا در گذشته با ورود کولی‌ها کاهش یافت؛ برای مثال، یکی از مشارکت‌کنندگان در تحقیق در این خصوص گفت: «برای اهالی شهرک جانبازان بد شد... همه از اونجا رفتن. همون موقع اون بندگان خدا اگه برای خونه حدود ۱۵ میلیون تومن هزینه کردن، مجبور شدن ۲ یا ۳ میلیون تومن بفروشن... اونجا رو نابود کردن. به‌طور سرسام‌آوری قیمت‌ها پایین اومد.»

درواقع از نظر سایرین، و حتی مسئولان و مقامات شهری، حضور کولی‌ها در محله، عامل ناامنی و کاهش منزلت اجتماعی محله است. مشارکت‌کنندگان از محله مهدی‌آباد درباره جابه‌جایی کولی‌ها این‌گونه گفتند: «همه ساکنان محله می‌خواستن اونا برن. اصلاً نیاز به گفتن نیست، نمی‌شد از اینجا رد بشی. اگه رد می‌شدی، صدا می‌کردن و برنامه‌هایی بود که همه می‌دونن. فحشا زیاد بود...». یا «اونا معضل بودند اصلاً. فکرشو بکنید؛ مرکز ساری روبه‌روی دانشگاه جایگاه فحشا و خلاف شده بود.» بدین ترتیب به‌علت وجود تصور ذهنی منفی از محله کولی‌ها که محل تجمع آسیب‌های اجتماعی است، برخی از افراد به ادامه سکونت در این محله تمایل ندارند. با این حال، به عقیده بسیاری از کولی‌ها، با گذشت زمان، تغییر نسل و کم‌رنگ شدن حافظه جمعی گذشته در مورد کولی‌ها و ارتقای فناوری و شبکه‌های اجتماعی، تصورات منفی به گذشته کاهش یافته، اما همچنان وجود دارد و از بین نرفته است.

محرومیت: محرومیت در ابعاد گوناگون اقتصادی، اجتماعی و سیاسی-قانونی برای تمام اعضای گروه قومی مورد نظر به‌طور یکسان صدق نمی‌کند؛ برای نمونه علی‌رغم وجود محرومیت‌های شدید اقتصادی و بیکاری در میان کولی‌های ساکن در شهرک نوینیا، افراد و خانواده‌هایی نیز هستند که به‌لحاظ اقتصادی و درآمدی در شرایط مناسب‌تری به سر می‌برند. درواقع بی‌سوادی، کم‌سوادی، فقر مالی، نداشتن امکانات و اسناد هویتی در کنار نگرش فرهنگی خاص، امکان کسب مهارت‌ها را محدود و زمینه را برای ورود کولی‌ها به اشتغال غیررسمی فراهم می‌کند. بدین ترتیب با توجه به اینکه تقاضا برای خدمات و کالاهایی که کولی‌ها در ارائه و

تولید آن تبحر داشتند (نوازندگی، خراطی، ساخت ابزارآلات کشاورزی و...)، کاهش یافته است و زمینه‌های کسب مهارت جدید نیز فعال نیست (ناشی از موانع فرهنگی و محرومیت‌ها)، اغلب، کولی‌ها بیکار هستند یا در شغل‌های موقت و فصلی (دست‌فروشی و کارگری)، تکدی‌گری و بخش غیرقانونی (فروش مواد مخدر، مشروبات الکلی و...) اشتغال دارند؛ بنابراین متناسب با نحوه معیشت، تنوع درآمدی بسیاری میان آن‌ها وجود دارد. در این مورد، برخی از مشارکت‌کنندگان در پژوهش اظهار کردند: «اجدادمون آهنگر بودن و به ما هم رسیده، اما الان آهنگری درآمدی نداره... کسی نمی‌خره.»

علاوه بر آن، علی‌رغم تلاش‌های نهادهای مسئول برای تسهیل فرایندهای مربوط به اخذ اسناد هویتی، تعدادی از افراد نیز بدون مدارک و اسناد هویتی هستند (برای مثال، به دلیل وجود سوءپیشینه و طولانی‌شدن فرایندهای اداری و حقوقی، نبود والدین به دلیل ترک خانواده و عدم دسترسی به آن‌ها و...) که این امر بر محرومیت آن‌ها در ابعاد مختلف و امکان برخورداری از خدمات آموزشی، بهداشتی، حقوق سیاسی، بهره‌مندی از فرصت‌های شغلی و درنهایت طرد آن‌ها تأثیرگذار است. با این حال، علی‌رغم تنوع شرایط اجتماعی و اقتصادی در سطح فردی و خانواده، به‌طور کلی در سطح اجتماع و محله مورد نظر، محرومیت و برخورداری از خدمات و امکانات زیرساختی، رونمایی و آموزشی وجود دارد. همچنین صدای بسیاری از کولی‌ها علی‌رغم داشتن هویت قانونی، برخورداری از حق رأی و عضویت در شوراهای محلی شنیده نمی‌شود و در فرایندهای تصمیم‌گیری در سطوح بالاتر به‌منظور بهبود شرایط دخالت داده نمی‌شوند یا در اولویت قرار نمی‌گیرند.

جمع‌بندی و ارائه وجه تشابه و افتراق نتایج پژوهش با مدل مفهومی اولیه

برونداد حاصل از فرایند تجزیه و تحلیل، نشان‌دهنده آن است که طرد کولی‌های ساکن در شهرک نوبنیاد ناشی از دو عامل اصلی است که تفاوت بین کولی‌ها و سایرین را تعریف می‌کند: ۱. طرد ناشی از فرهنگ، شیوه زندگی و معیشت متمایز؛ ۲. طرد ناشی از استمرار محرومیت اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و قانونی. علی‌رغم آنکه هریک از این موارد به تشدید دیگری منجر می‌شود، تأثیرگذاری توأمان این دو عامل، برای همه کولی‌ها صدق نمی‌کند. در واقع تنوع وضع درآمدی در میان اجتماع مورد مطالعه موجب می‌شود برخی افراد محرومیت اقتصادی را تجربه نکنند و علاوه بر آن، به منابع قدرت نیز دسترسی داشته باشند. بدین ترتیب محرومیت در ابعاد سیاسی و قانونی را تجربه نکنند، اما تفاوت در شیوه زندگی، معیشت و فرهنگ، موجب جداسازی آن‌ها می‌شود و فعالیت‌ها و عرصه‌های بروز آن را به مناسبات اقتصادی و انجام وظایف محدود کند و فرصت تبادل بینا فرهنگی را فراهم نیاورد. در واقع شرایط اقتصادی

مناسب، برخورداری از هویت قانونی و دسترسی به منابع قدرت اگرچه برای برخی از ساکنان این محله وجود دارد، برای همه کولی‌های شهرک نوبنیاد فراهم نیست. از این‌رو فرهنگ متمایز به‌عنوان عامل ایجاد تفاوت، مهم‌ترین عامل در طرد کولی‌ها است و درواقع تفاوت در ارزش‌ها و نگرش‌های فرهنگی، زمینه را برای آغاز فرایندهای دیگر ایجاد می‌کند که تجربه طرد کولی‌ها را معنا می‌بخشد. تفاوت فرهنگی در کنار وجود شواهدی از تضادهای فرهنگی، سبب تعمیم تصورات ذهنی منفی به کلیه اعضای گروه قومی مورد نظر می‌شود؛ بنابراین به مداخله پیش‌داوری‌ها در تعاملات و روابط بین افراد منجر می‌شود که ناشی از ترس از ناامنی و کاهش منزلت اجتماعی است. در مرحله بعد، کنش‌های مبتنی بر ترس، تصورات ذهنی منفی و پیش‌داوری‌ها، از طریق تکرار و استمرار فرایندهای عدم پذیرش دیگری، شکل‌گیری سرمایه اجتماعی درون‌گروهی بالا و نبود امکان تبادل بین‌فرهنگی، افتراق فضایی شامل نفوذناپذیری، موقعیت حاشیه‌ای، خوشه‌بندی و گاه محرومیت در ابعاد اجتماعی-اقتصادی و سیاسی-قانونی موجب طرد می‌شوند. همان‌طور که پیش‌تر نیز گفته شد، محرومیت در ابعاد اقتصادی، سیاسی و قانونی، درمورد همه کولی‌های شهرک نوبنیاد صدق نمی‌کند و این امر ضرورت در نظر داشتن تنوع درون‌گروهی قومی را در عین وجود اشتراکات یادآور می‌شود.

مقایسه نتایج پژوهش با مدل اولیه نشان می‌دهد در زمینه مورد نظر نیز چرخه تفاوت، ترس و طرد وجود دارد و تفاوت‌های موجود بین گروه قومی مورد نظر و سایر شهروندان، ناشی از فرهنگ متمایز (ویژگی‌های قومی، شیوه زندگی و معیشت) و محرومیت (ضمن وجود تنوع درون‌گروهی در تجربه محرومیت در ابعاد اقتصادی، سیاسی و قانونی) است. تفاوت از طریق فعال کردن فرایند تعمیم تصور ذهنی منفی و پیش‌داوری درباره کلیه اعضای گروه و ایجاد ترس (ترس از ناامنی، بی‌نظمی، آسیب‌پذیری و کاهش منزلت اجتماعی)، سبب طرد گروه قومی مورد نظر می‌شود، اما در مقایسه با مدل مفهومی اولیه، کولی‌ها، طرد در ابعاد مختلف سیاسی-قانونی، اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی و فضایی را به‌طور یکسان تجربه نمی‌کنند. با توجه به اینکه بیشتر افراد از اوراق هویتی و قانونی، و مالکیت خصوصی برخوردارند، مشارکت در عرصه سیاسی و داشتن حق رأی، فقدان حقوق مدنی با چشم‌پوشی از موارد اندک موجود، قابل‌ملاحظه نیست، اما همان‌طور که پیش‌تر نیز بیان شد، کولی‌ها در فرایندهای تصمیم‌گیری در سطوح بالاتر به‌منظور بهبود شرایط دخالت داده نمی‌شوند یا در اولویت قرار نمی‌گیرند و به‌دلیل سطح سواد و اشتغال در حوزه‌های غیررسمی، در پست‌های اداری و سیاسی کمتر دیده می‌شوند و دسترسی کمتری نیز به منابع قدرت دارند. با این‌حال، با توجه به تنوع وضع درآمدی، برخی از اعضای گروه به‌دلیل موقعیت اقتصادی، به منابع قدرت دسترسی دارند. در مدل نهایی (تصویر ۷) طرد در بعد سیاسی-قانونی ناشی از محرومیت‌های موجود با گستردگی کمتری

نشان داده شده است. در بعد اقتصادی نیز با توجه به تنوع وضع درآمدی، امکان تعمیم محرومیت از جنبه اقتصادی به تمامی افراد ممکن نیست، اما اجتماع مورد نظر به‌طور کلی از نظر برخورداری از امکانات و خدمات، و دسترسی به فرصت‌های شغلی دارای شرایط مطلوبی نیست. در نهایت طرد در دو بعد اجتماعی و فضایی با عمومیت بیشتری بین افراد معنا می‌یابد. در بعد اجتماعی طرد از طریق پیش‌داوری و عدم پذیرش دیگری (تبعیض، جابه‌جایی اجباری کولی‌ها و تنش بین کولی‌ها و سایر شهروندان)، وجود سرمایه اجتماعی، شبکه‌های درون‌گروهی قوی و نبود روابط مؤثر و امکان تبادل بین‌فرهنگی بروز می‌یابد. جابه‌جایی از محله مهدی‌آباد به شهرک نوبنیاد در حاشیه شهر با امکانات کمتر (استقرار در موقعیت حاشیه‌ای به شهر)، همگنی جمعیت به‌لحاظ قومی و شکل‌گیری خوشه‌های سکونت قومی در شهرک و نفوذناپذیری نیز نشان‌دهنده طرد در بعد فضایی و جداسدگی این گروه از شهر است. در نهایت طرد در ابعاد اجتماعی، فضایی، اقتصادی و سیاسی-قانونی برای دسترسی به منابع موانعی ایجاد می‌کند که سبب افزایش محرومیت‌ها، تشدید نابرابری‌ها و عمیق‌تر کردن تفاوت‌ها می‌شود؛ به‌گونه‌ای که دیگر، تفاوت نه‌فقط در بعد فرهنگی، بلکه به‌لحاظ طبقه اجتماعی، درآمد و... نیز به‌وجود می‌آید و چرخه تفاوت، ترس و طرد را ادامه می‌دهد.



تصویر ۷. ابعاد و عوامل تأثیرگذار بر طرد کولی‌های ساکن در شهرک نوبنیاد

منبع: نگارندگان

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف فهم بسترها، شرایط و تجارب کولی‌های ساکن در شهرک نوبنیاد درمورد پدیده طرد انجام شد. یافته‌های این پژوهش نشان داد فرهنگ متمایز و گاه متضاد به‌همراه

محرومیت از طریق ایجاد تفاوت‌ها میان کولی‌ها و سایرین موجب ایجاد ترس می‌شود که دیگری‌سازی و تعمیم تصورات ذهنی منفی از همه اعضای گروه قومی کولی‌ها را به جریان می‌اندازد. بدین ترتیب به‌منظور غلبه بر این احساس ترس از دیگری، فرایندهایی مانند عدم پذیرش دیگری، تقویت سرمایه اجتماعی درون‌گروهی، کاهش مواجهه و روابط برون‌گروهی مؤثر و افتراق فضایی آغاز می‌شوند که در کنار وجود تبعیض‌ها و محرومیت‌ها، سبب طرد کولی‌ها در ابعاد و عرصه‌های مختلف زندگی روزمره می‌شوند.

درواقع هریک از فرایندهای مذکور، مشتمل بر کنش‌ها و واکنش‌های متعددی است که طی زمان و در عرصه‌های گوناگون سکونت، کار، آموزش و اوقات فراغت موجب طرد و جدانشدگی کولی‌ها شده است. در عرصه سکونت می‌توان گفت مبتنی بر تجربیات گذشته و خصومت‌های تجربه‌شده یا مورد انتظار، طرد و عدم پذیرش دیگری، نه فقط از سوی سایر شهروندان که به‌صورت دوسویه صورت می‌گیرد، بلکه جابه‌جایی اجباری کولی‌ها علی‌رغم تعلق خاطر آن‌ها به محله به دلیل تجربه زندگی گروهی، قدمت سکونت پیش از شکل‌گیری محله، دسترسی مناسب به خدمات و امکانات شهری و نزدیکی به سایرین برای ارائه خدمات و مراودات اقتصادی، ناشی از اعتراض ساکنان محدوده‌ها پیرامونی و با نارضایتی صورت پذیرفت. این امر در محل سکونت جدید، به شکل‌گیری سرمایه اجتماعی درون‌گروهی بالا و تشکیل خوشه‌های قومی و نفی حضور غریبه‌ها در محله انجامید و تنش‌های بسیاری را به‌منظور ایجاد همگنی جمعیتی و فرهنگی به‌وجود آورد. در عرصه کار و اشتغال، براساس یافته‌های به‌دست‌آمده، پیش‌داوری‌ها و وجود تصورات ذهنی منفی درباره کولی‌ها، نگرش فرهنگی کولی‌ها به آموزش و کسب مهارت‌ها (ترک تحصیل و ضرورت درآمدزایی از سنین پایین) و محرومیت‌های موجود در سطح خانواده و اجتماع، موانعی را برای توانمندسازی کولی‌ها، کسب مهارت و ورود به عرصه اشتغال ایجاد می‌کند. به‌منظور کاهش تأثیر پیش‌داوری‌ها و تصورات ذهنی منفی درمورد کولی‌ها، بسیاری از آن‌ها در ورای مرزهای سکونت (در مقیاس شهر و منطقه) به فعالیت و کسب درآمد می‌پردازند. درواقع به‌منظور دوری از حافظه تاریخی و جمعی منطقه و همچنین بهره‌مندی از فرصت‌های بیشتر در کلان‌شهری مانند تهران که امکان ناشناس‌بودن را نیز برای آن‌ها فراهم می‌کند، مهاجرت‌های کوتاه‌مدت یا بلندمدت و رفت‌وآمدهای متعدد بین دو شهر، جابه‌جایی جمعیتی بسیاری را ایجاد می‌کند.

در عرصه آموزش و اوقات فراغت نیز عوامل فرهنگی، افتراق فضایی و محرومیت، دسترسی کولی‌ها به مراکز آموزشی و اوقات فراغت را محدود ساخته است. طبق تجارب مشارکت‌کنندگان در این عرصه‌ها، پیش‌داوری‌ها، تصورات ذهنی منفی و عدم پذیرش دیگری، از جمله عوامل طردکننده نیستند و درواقع نگرش فرهنگی، محرومیت و نیاز به بقا، از جمله موانع آموزشی

هستند و درخصوص اوقات فراغت نیز نیاز به بقا و نبود اعتماد (محرومیت و سرمایه اجتماعی درون‌گروهی) سبب می‌شود تفریحات به سطح محله و در قالب روابط درون‌گروهی انجام شود. در خلال کنش‌ها و واکنش‌ها در هریک از فرایندهای ذکرشده، افراد به‌منظور برون‌رفت از وضعیت موجود و کاهش تأثیرات، راهکارهای مختلفی را اتخاذ می‌کنند. واکنش کولی‌ها در راستای تقویت سرمایه اجتماعی درون‌گروهی، رشد اقتصادی و افزایش دسترسی به منابع درون‌گروهی و برون‌گروهی است یا برعکس، به‌منظور یکپارچگی در جامعه، نفی هویت اصلی، کاهش ارتباطات و وابستگی‌های درون‌گروهی، ارتقای سرمایه‌های اجتماعی برون‌گروهی و ارتقای سطح تحصیلات به‌منظور تحرک اجتماعی را برمی‌گزینند. براساس نتایج مطالعات ساندرکاک (۲۰۰۳)، سایر شهروندان نیز به‌منظور غلبه بر ترس از ناامنی و کاهش منزلت اجتماعی، افزایش نظارت انتظامی به‌منظور کاهش معضلات و آسیب‌های اجتماعی، حفظ دوری و افتراق فضایی و اعطای امکانات اولیه به امید اصلاح اخلاقی و فرهنگی (مانند دسترسی به خدمات بهداشتی-درمانی اولیه در محله، اعطای خدمات مرتبط با بهزیستی و تسهیل فرایندهای اخذ شناسنامه، اعطای غذای گرم به دانش‌آموزان به‌منظور جذب آن‌ها به مدرسه و...) را اتخاذ کردند.

در اغلب راهکارهای اتخاذشده، همچنان پیش‌داوری‌ها و تصورات ذهنی منفی، فرهنگ و ارزش‌های کولی‌ها را در برابر ارزش‌های فرهنگ غالب کم‌ارزش تلقی می‌کند. از همین‌رو به‌منظور غلبه بر طرد و جداسدگی، افراد از هردو گروه اقلیت و اکثریت در جهت حذف و اصلاح آن فرهنگ حرکت می‌کنند. درغیراین‌صورت، گروه اقلیت به‌منظور حفظ فرهنگ و ارزش‌ها، به تقویت سرمایه اجتماعی درون‌گروهی، ارتقای موقعیت خود در میدان‌های اقتصادی و بهبود دسترسی به منابع قدرت می‌پردازد تا طرد ناشی از تمایز فرهنگی را جبران کند؛ هرچند در بسیاری از موارد این امر تحقق نمی‌یابد و عملاً جداسدگی و افتراق، امکان حفظ فرهنگ‌ها و دوری از خصومت‌ها و تنش‌ها را ممکن می‌کند.

منابع

- بیگدلی، محسن (۱۳۹۸). چگونگی استقرار مهاجران گرجی در ایران دوره صفوی. *تحقیقات تاریخ اجتماعی*، ۹(۲)، ۱۲۹-۱۵۳.
- چارمز، کتی (۲۰۰۶). *ساختن نظریه مبنایی: راهنمای عملی برای تحلیل کیفی*. ترجمه مه‌زیار کاظمی موحد و حمیدرضا ایرانی. تهران: رسا.
- حمیدیان، اکرم، زاهدی، محمدجواد، ملکی، امیر و انصاری، ابراهیم (۱۳۹۴). بررسی رابطه نابرابری‌های اجتماعی-اقتصادی و طرد اجتماعی گروه‌ها در کلان‌شهر اصفهان. *پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر*، ۴(۶)، ۱-۳۲.
- حمیدیان، اکرم (۱۳۹۶). *نابرابری، فقر، طرد اجتماعی*. تهران: جامعه‌شناسان.
- دادویی‌نژاد، سلیمه (۱۳۹۳). *طرح هادی روستای مجتمع مسکونی نوینباد*. کارفرما: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی مازندران.
- رایت، اریک الین (۲۰۱۵). *فهم طبقه*. ترجمه محمدحسین بحرانی. تهران: آگاه.
- رضایی، احمد (۱۳۸۰). *پراکندگی اقوام در مازندران و گلستان*. *فصلنامه مطالعات ملی*، ۳(۹)، ۲۵۹-۲۷۹.
- ستاد سامان‌دهی مناطق ویژه اجتماعی استان مازندران (۱۳۹۸). *شناسنامه اجتماعی مناطق آسیب‌خیز استان مازندران*.
- صادقی فسائی، سهیلا و روزخوش، محمد (۱۳۹۴). نکاتی تحلیلی و روش‌شناختی درباره تحلیل گفتمان (با نگاهی به پژوهش‌های ایرانی). *مطالعات اجتماعی ایران*، ۷(۴)، ۴-۲۹.
- صفی‌خانی، ثمره، موسوی، سید یعقوب و رجبلو، قنبرعلی (۱۳۹۵). *هویت در آستانه کولی‌های ساکن در تهران*. *فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران*، ۹(۳)، ۱-۲۹.
- عظیمی، میترا و ابراهیمی، مریم (۱۳۹۸). *موانع بازپیوند اجتماعی کولی‌های محله هرندی تهران*. *بررسی مسائل اجتماعی ایران*، ۱۰(۱)، ۱۹۵-۲۱۶.
- گرب، ادوارد (۱۹۹۰). *نابرابری اجتماعی: دیدگاه‌های نظریه‌پردازان کلاسیک و معاصر*. ترجمه محمد سیاهپوش و احمدرضا غروی‌زاد. تهران: معاصر.
- گیدنز، آنتونی و ساتن، فیلیپ (۲۰۱۳). *جامعه‌شناسی جلد ۱ و ۲*. ترجمه هوشنگ نایبی. تهران: نی.
- مارکس، کارل و انگلس، فردریش (۱۳۶۰). *ایدئولوژی آلمانی*. ترجمه تیرداد نیکی. تهران: فردوس.
- محمدی، جمال، دانش‌مهر، حسین و هدایت، عثمان (۱۳۹۸). *تجربه طرد اجتماعی؛ مورد مطالعه: هه‌ورامی‌های شهر مریوان*. *مسائل اجتماعی ایران*، ۱۰(۱)، ۲۳۹-۲۶۲.
- مدنی‌پور، علی (۲۰۱۱). *زندگی در کنار دیگران یا جدا از آن‌ها، اختلاط اجتماعی، طرد اجتماعی و اعیان‌سازی*. ترجمه رضا بصیری مژدهی. برگرفته از کتاب *تریدیب بنرجی و آناستازیا لوکایتو سیدریس*، طراحی شهرها مفاهیم و جریان‌های معاصر، تهران: طحان، ۷۷۷-۷۶۵.

مهندسان مشاور طرح و آمایش (۱۳۸۴). طرح تفصیلی شهر ساری. کارفرما: سازمان مسکن و شهرسازی استان مازندران.

مهندسان مشاور طرح محیط پایدار (۱۳۸۷). گزارش سامان‌دهی سکونتگاه‌های غیررسمی و اقدامات توانمندسازی اجتماعات آن‌ها با تأکید بر بهسازی شهری شهر ساری با دیدگاه شهرنگر. گزارش مرحله اول. کارفرما: شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران.

مهندسان مشاور مازند طرح (۱۳۹۴). طرح جامع شهر ساری. جلد اول. کارفرما: اداره کل راه و شهرسازی استان مازندران.

هبیئات (۲۰۱۶). شهرنشینی و توسعه: آینده‌های پیش‌رو، گزارش وضعیت شهرهای جهان ۲۰۱۶. ترجمه گلسا همراهی. هبیئات. ایران.

یزدان پناه، اسماعیل (۱۳۸۳). کولی‌ها: بررسی درباره کولی‌های جهان و گروه‌های عمده کولی در استان مازندران به انضمام تصاویر و نقشه‌ها. قائم‌شهر: امیر مازندرانی.

- Barry, B. (1998). Social exclusion, Social isolation and the distribution of income. *CASE paper, London School of Economics*.
- Berghman, J. (1995). Social exclusion in Europe: Policy context and analytical framework". In *Beyond the Threshold: The measurement and analysis of social exclusion*, Graham Room (Ed.) Bristol: The Policy Press.
- Bossert, W., D'Ambrosio, C., & Peragine, V. (2007). Deprivation and social exclusion. *Economica*, 74(296), 777-803.
- Brewer, J. D. (2005). *Ethnography*. Philadelphia: Open University Press.
- Chakravarty, S. R., & D'Ambrosio, C. (2006). The measurement of social exclusion. *Review of Income and wealth*, 52(3), 377-398.
- Feitosa, F. F., Camara, G., Monteiro, A. M. V., Koschitzki, T., & Silva, M. P. (2007). Global and local spatial indices of urban segregation. *International Journal of Geographical Information Science*, 21(3), 299-323.
- Goicoechea, E. R. (2005). Immigrants contesting ethnic exclusion: structures and practices of identity. *International Journal of Urban and Regional Research*, 29(3), 654-669.
- Greenfields, M., & Smith, D. (2011). A question of identity: the social exclusion of housed gypsies and travellers. *Research, Policy and Planning*, 28(3), 65-78.
- Haan, A. D. (1998). 'SocialExclusion': An Alternative Concept for the Study of Deprivation?. *IDS bulletin*, 29(1), 10-19.
- Levitas, R., Pantazis, C., Fahmy, E., Gordon, D., Lloyd-Reichling, E., & Patsios, D. (2007). The multi-dimensional analysis of social exclusion.
- Percy-Smith, J. (2000). *Policy responses to social exclusion: Towards inclusion?*. McGraw-Hill Education (UK).
- Phillips, D. (2006). Parallel lives? Challenging discourses of British Muslim self-segregation. *Environment and planning D: society and space*, 24(1), 25-40.
- Polanyi, K. (1944). *The Great Transformation*. New York: Rinehart and Co.
- Sandercock, L., & Lyssiotis, P. (Eds.). (2003). *Cosmopolis II: Mongrel cities of the 21st century*. A&C Black.
- Sandercock, L., Attili, G., Cavers, V., & Carr, P. (2009). *Where strangers become neighbours: Integrating immigrants in Vancouver, Canada* (Vol. 4). Dordrecht: Springer.

- Yiftachel, O., & Yacobi, H. (2003). Urban ethnocracy: Ethnicization and the production of space in an Israeli 'mixed city'. *Environment and Planning D: Society and Space*, 21(6), 673-693.
- Zaami, M. (2015). 'I fit the description': experiences of social and spatial exclusion among Ghanaian immigrant youth in the Jane and Finch neighbourhood of Toronto. *Canadian Ethnic Studies*, 47(3), 69-89.

